

سید الشہداء علیہ السلام

عنوان گزارش:

تحلیلی بر دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار
تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان

سازمان بسیج حقوق دانان

۹۶۰۳۰۰۱

شماره مسلسل:

۱۳۹۶/۳/۱۷

تاریخ نشر:

تحلیلی بر دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار

تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان

شارون اسلاتر

مدیرعامل مؤسسه بین‌المللی دیده‌بان خانواده
و عضو انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد

مقدمه

سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)^۱ یکی از دفاتر تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد است که در چهارم نوامبر ۱۹۴۶ تأسیس شد و در شانزدهم نوامبر ۱۹۴۶، چهل و شش کشور از جمله ایران اساسنامه آن را امضا کردند. یونسکو در بند اول اساسنامه خود، هدف از تشکیل این سازمان را چنین بیان می‌کند: «کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق ترویج همکاری میان ملت‌ها در زمینه‌های آموزش، علوم و فرهنگ به منظور افزایش احترام همگان به عدالت، حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه، بدون توجه به تفاوت‌های نژادی، جنسیت، زبان و مذهب، مطابق با منشور ملل متحد».

در همین راستا در سپتامبر ۲۰۱۵ (شهریور ۹۴)، اهداف دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار در سازمان ملل متحد ارائه شد. در «دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» اهدافی جهت رسیدن به توسعه پایدار ارائه شده است که می‌توان آن‌ها را به اختصار این‌گونه بیان نمود: «پایان دادن به فقر و گرسنگی، ترویج رفاه، آموزش باکیفیت و برابر، دستیابی به تساوی جنسیتی، مدیریت پایدار آب، دسترسی به منابع انرژی پایدار، کاهش نابرابری، تبدیل سکونت‌گاه‌های انسانی به مکان‌هایی امن، تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف، اقدام برای رویارویی با تغییر اقلیم، استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، مدیریت پایدار جنگل‌ها، ترویج جوامع صلح‌جو».

بیانیه مربوط به هدف چهارم این دستور کار (تضمین آموزش باکیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه)، در ماه می ۲۰۱۵ در مجمع جهانی آموزش (اینچئون کره جنوبی) به تصویب رسید. در پی آن دولت جمهوری اسلامی ایران مطابق اصل ۱۳۸ قانون اساسی در ۲۵ شهریور ۱۳۹۵ مصوبه‌ای را جهت تشکیل «کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ با مسئولیت وزارت آموزش و پرورش» گذراند. این کارگروه به منظور هماهنگی و ارائه راهکارهای تحقق اهداف و تعهدات برنامه آموزش ۲۰۳۰ هم‌سو با اهداف و تعهدات برنامه اهداف توسعه پایدار، موظف شد: «برنامه اجرایی و نظارتی تحقق کامل آموزش ۲۰۳۰ را در سطوح ملی و استانی با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی مرتبط و هم‌سو با اهداف برنامه‌های توسعه کشور، اسناد راهبردی توسعه، نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه اهداف توسعه پایدار تهیه کند و گزارش پیشرفت کار و نحوه همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط را سالانه به هیأت وزیران و گزارش نهایی را به کمیسیون ملی یونسکو برای ارسال به مرجع بین‌المللی مربوط ارائه نماید». همچنین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران با مدیریت و برنامه ریزی دفتر یونسکو در ایران با تشکیل ۳۰ کارگروه تخصصی تدوین و آماده و در تاریخ ۲۰ آذر ۱۳۹۵ رونمایی شد.

قطار توسعه پایدار با طعم سند ۲۰۳۰ به‌خوبی بر ریل سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در حرکت بود تا اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانات خود در دیدار با فرهنگیان در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ فرمودند:

«این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرف‌ها، این‌ها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار این‌ها بدهد و تسلیم این‌ها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به اصطلاح بین‌المللی‌ای - که قطعاً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ دنیا است - این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدن‌های مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ اصل کار، غلط است».

این بیانات سند ۲۰۳۰ را در صدر اخبار و توجه محافل علمی و اجرایی کشور قرار داد، و سیل اشکالات شکلی و محتوایی را به سمت سند ۲۰۳۰ روانه کرد. وظیفه دولت به اجرایی کردن سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، عدم بررسی سند توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی، لزوم تصویب سند از جانب مجلس شورای اسلامی و کار ساز نبودن حق تحفظ ایران در مورد محتوای سند از جمله عمده اشکالات شکلی به فرایند ورود سند ۲۰۳۰ در کشور ایران بود و اشکالات محتوایی چون عدم تطابق محتوای سند ۲۰۳۰ با اسناد

بالادستی جمهوری اسلامی ایران، محتوای سکولار و منفعل سند، استفاده از عبارات مبهم و چندپهلویی چون «تساوی جنسیتی»، «حقوق باروری»، «آموزش فراگیر جنسیتی» و ... نیز از جانب منتقدین بیان شد.

با توجه به این مسائل بررسی شکلی و محتوایی دستورکار ۲۰۳۰، سند آموزش ۲۰۳۰ و سند ملی آموزش ۲۰۳۰ از جانب اندیش‌مندان لازم و ضروری به نظر می‌رسد. چندی پیش شارون اسلاتر، مدیرعامل مؤسسه بین‌المللی دیده‌بان خانواده و عضو انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد، در مورد دستور کار ۲۰۳۰ گزارشی را منتشر نمود و از جانب خود تهدیدهای موجود در دستور کار ۲۰۳۰ را مورد بررسی قرار داد. این گزارش که به زبان انگلیسی است با عنوان «تحلیلی بر دستور کار توسعه پایدار ۲۰۳۰؛ تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان» تکیه بر مفهوم‌شناسی عبارات بعضاً مبهم دستور کار ۲۰۳۰ دارد. با توجه به موضوع مورد بحث در گزارش مذکور و نیاز بررسی هر چه بیشتر دستور کار ۲۰۳۰، ترجمه گزارش برای تدبیر بیشتر در مورد سند لازم به نظر می‌رسید. بنابراین سازمان بسیج حقوق‌دانان ترجمه گزارش مذکور را در اختیار عالمان و اندیش‌مندان جهت تحلیل هر چه بهتر این سند قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است آنچه شارون اسلاتر بیان می‌کند لزوماً مورد تأیید این سازمان نیست و جهت بیان آرا و نظرات متفاوت تدوین شده است.

چکیده

تحلیل اهداف توسعه پایدار (به اختصار *SDG*) و دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد با این هدف تهیه شده است که از یک سو به کشورهای عضو سازمان ملل متحد کمک کند تا تهدیدهای پنهان موجود در دستور کار را بشناسند، و از سوی دیگر پیشنهادهایی برای مقابله با این تهدیدها ارائه کند.

این گزارش با خلاصه‌ای از ماهیت کلی دستور کار ۲۰۳۰ آغاز شده است و سپس تجزیه و تحلیل عمیقی از اهداف و شاخص‌هایی ارائه می‌کند که به راحتی می‌توانند حقوق جنسی بحث‌برانگیز را ترویج دهند؛ که شامل مسائلی نظیر سقط جنین، گرایش‌های جنسی، هویت جنسیتی و آموزش‌های جنسیتی صریح و مضر برای کودکان می‌شود.

مثال‌های گوناگونی فراهم شده است که نشان می‌دهد دفاتر مرتبط با سازمان ملل متحد نظیر *UNDP*, *UNFPA*, *UN Women*, *OHCHR* و *UNICEF*, *UNESCO* چگونه در تعامل با کشورهای عضو سازمان ملل متحد در ترویج یک دستور کار افراطی حقوق جنسی مشارکت داشته‌اند، و بر اساس مستنداتی که خودشان ارائه کرده‌اند، چگونه اصطلاحات مبهم و دوپهلوی بین‌المللی بیان شده در اهداف و شاخص‌های *SDG* را تعبیر و تفسیر خواهند کرد تا حقوق بحث‌برانگیز را ترویج دهند.

با این حال بیشترین نگرانی اصطلاحات باز و مبهم موجود در دستور کار ۲۰۳۰ هستند که به سادگی می‌توانند در ترویج آموزش جامع جنسیتی (به اختصار *CSE*) خطرناکی به کار روند که ذهنیت کودکان را به سمت مسائل جنسی (شهوانی) خواهد کشاند و نگاه‌های افراطی جنسی و جنسیتی را در آن‌ها تلقین خواهد کرد. (نگاه کنید به comprehensivesexualityeducation.org تا با گزیده‌ای از برنامه‌های *CSE* طراحی شده توسط سازمان ملل متحد که به ترویج سقط جنین، گرایش‌های جنسی و تراژدی‌های در میان کودکان می‌پردازد، آشنا شوید).

این گزارش هم‌چنین از برخی شاخص‌های *SDG* که توسط دفاتر سازمان ملل متحد پیشنهاد شده است پرده بر خواهد داشت که می‌توانند شالوده سیاست‌هایی را بگذارند که حقوق والدین را پایمال خواهد کرد و آموزش‌های پیش‌گیری از بارداری، سقط جنین و آموزش‌های جنسی بحث‌برانگیز را برای کودکان فراهم خواهند کرد. شاخص‌های *SDG* نقطه تمرکز بدنه اجرایی *SDG* خواهد بود و دستور کار ۲۰۳۰ را پیش خواهد برد.

پس از آشکار ساختن بسیاری از جنبه‌های منفی در سند ۲۰۳۰، این گزارش به برجسته کردن بسیاری از مطالب مثبت در ارتباط با خانواده خواهد پرداخت. این مطالب شامل مقرراتی قوی است که خواستار احترام برای قوانین و اولویت‌های ملی می‌شود و نیز شامل برخی مطالب مثبت در مورد خانواده است.

در نهایت نیز الگوهایی برای حق تحفظ ارائه شده‌اند که می‌توانند برای مقابله با تفسیرهای فراتر از حدود اختیارات قانونی از اصطلاحات مندرج در *SDG* به کار روند. در خاتمه این گزارش نیز از کشورها خواسته شده است تا اطمینان دهند که نهاد خانواده در طول اجرای *SDG* مورد حفاظت قرار خواهد گرفت.

۱- نگاهی کلی به دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد

الف) پیشینه

پس از دو سال مذاکره بین تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد، اهداف توسعه پایدار ملل متحد که در سند «دگرگون کردن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» (از این پس به اختصار دستور کار ۲۰۳۰) آمده است، طرح بزرگی را ارائه کرده است برای این که بگوید جامعه جهانی به چه شکلی بسیاری از مشکلات دنیا را در طول ۱۵ سال آینده حل خواهد کرد.

اهداف اصلی ۱۷ گانه و ۱۶۹ هدف فرعی موجود در دستور کار ۲۰۳۰، که مجموعاً به عنوان «اهداف توسعه پایدار (SDG)» شناخته می شوند، مقاصد دیگری را پیش خواهند برد^۲ که با توجه به آن انتظار می رود روی سیاست‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و هزینه‌های کشورهای عضو سازمان ملل متحد در طول ۱۵ سال آینده مؤثر باشد. هم‌چنین انتظار می‌رود SDG موجب اصلاحات قانونی در بسیاری از حوزه‌ها شود، و میلیاردها دلار از منابع مالی را برای اجرا در کشورهای دنیا به خود اختصاص دهد.

دستور کار ۲۰۳۰ در سپتامبر ۲۰۱۵ توسط سران کشورها به امضاء رسیده است، که این بیانگر تعهد همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در اجرای کامل SDG است. بنابراین با توجه به اهمیت دستور کار ۲۰۳۰ و حمایت قریب به اتفاق دولت‌های دنیا از آن، برای تصمیم‌گیران و نیز والدین در سراسر دنیا بسیار مهم است که با تهدیدهای پنهانی که برای زندگی، خانواده و کودکان در سراسر دستور کار ۲۰۳۰ انباشته شده است، آشنا شوند. این گزارش به همین منظور آماده شده است.

بر کسی پوشیده نیست که اهداف SDG تأثیر عمده و طولانی مدتی روی توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو سازمان ملل متحد خواهند داشت. پس طبیعی است که دفاتر سازمان ملل متحد، دولت‌ها، مؤسسات بین‌المللی، گروه‌های لابی، بنگاه‌ها، میلیاردرهای نیکوکار، مؤسسات دانشگاهی، فعالان عدالت اجتماعی، گروه‌های جامعه مدنی و ... با تکاپوی زیاد به دنبال آن باشند که SDG را به گونه‌ای شکل دهند که نوع نگاهشان را، که در بسیاری موارد بحث برانگیز است، ترویج دهد.

دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای کشورهای عضو سازمان ملل متحد الزام‌آور نیست، با این اوصاف انتظار می‌رود که تأثیر عمیقی روی قوانین و سیاست‌های موجود در دنیا بگذارد. در واقع اجرای تعدادی از اهداف اصلی و فرعی نیازمند تغییرات حقوقی و سیاسی در قوانین ملی است.

به عنوان یک نکته مثبت، پس از بحث‌های فراوان میان ذی‌نفعان، اشاره‌های صریح به اصطلاحات بحث برانگیزی نظیر «سقط جنین»، «گرایش‌های جنسی»، «هویت جنسی»، «حقوق جنسی»، حقوق مرتبط با «بهداشت باروری و جنسی» و «آموزش جامع جنسیتی» در سند نهایی قرار نگرفت. اما از جنبه منفی، اشاره‌های پنهان که مفاهیم فوق را ترویج می‌دهند، در سرتاسر دستور کار ۲۰۳۰ انباشته شده‌اند. هم‌چنین، مقرراتی که خواستار صیانت از خانواده، شناسایی نقش خانواده در توسعه، تقویت حقوق و نقش والدین با توجه به فرزندان خود است و نیز مقرراتی که احترام به عقاید و ارزش‌های فرهنگی را تشویق می‌کند، علی‌رغم درخواست‌های مکرر تعداد زیادی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای لحاظ کردن آن‌ها در سند، همه و همه در طول مذاکرات سازمان ملل متحد رد شد.

ب) موضوعات نگران‌کننده برای خانواده‌ها

در نگاه اول، به نظر نمی‌رسد که عمده اهداف اصلی و فرعی SDG بحث برانگیز باشد. برای مثال، اهداف ۱ و ۲ به دنبال آن هستند که با فقر و گرسنگی مبارزه کنند. اهداف ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲ و ۱۷ به دنبال ترویج مشارکت جهانی هستند و موضوعاتی نظیر آب، فاضلاب، انرژی، رشد اقتصادی، زیرساخت، صنعتی سازی، نوآوری، الگوهای تولید و مصرف، تغییرات آب و هوا، تنوع زیستی و

۲- اجزای دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه، در سند «دگرگون کردن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» ارائه شده است که شامل: (۱) یک مقدمه (۲) یک بیانیه (۳) پیگیری و بررسی (۴) ابزارهای اجرا (۵) دعوت به اقدام (۶) و البته اهداف اصلی و فرعی SDG می‌شود که عصاره دستور کار ۲۰۳۰ را تشکیل می‌دهند.

مدیریت اقیانوس‌ها، دریاها، جنگل‌ها و خشکی را مورد توجه قرار می‌دهد. با این حال، تعدادی از اهداف اصلی، شامل اهدافی فرعی می‌شوند که بسته به نوع تفسیر و اجرایشان، می‌تواند بسیار مشکل‌ساز شوند.

هم‌چنین، با توجه به گفتگوهای صورت گرفته در طول مذاکرات *SDG*، این امر به وضوح پیداست که کشورهای توسعه یافته و دفاتر سازمان ملل، در تلاش بوده‌اند تا تعدادی از اهداف فرعی *SDG* را به گونه‌ای تفسیر کنند که حقوق جنسی بحث برانگیز، حق سقط جنین، حقوق *LGBT*‌ها^۳، و حتی برای آموزش جامع جنسیتی بدون آگاهی و رضایت والدین را در بر بگیرد. بنابراین کشورها باید گام‌هایی بردارند تا این اطمینان حاصل شود که بسیاری از اصطلاحات باز و مبهمی که در *SDG* ظاهر شده‌اند در جهت تهدید خانواده‌ها دچار سوء تعبیر نخواهند شد و معصومیت کودکان را از بین نخواهند برد.

چند کشور اعلام حق تحفظ کرده‌اند و موضع رسمی خود را پیرامون برخی از اصطلاحات مبهم به کار رفته در *SDG* اظهار کرده‌اند، اما هیچ کشوری نسبت به همه این اصطلاحات اعلام حق تحفظ نکرده است. هم‌چنین بسیاری از کشورها هیچ حق تحفظی اعلام نکرده‌اند، لذا هیچ صیانتی در برابر برخی از مخاطراتی که در این تحلیل مورد توجه قرار گرفته است، نخواهند داشت. حتی ممکن است اعلام حق تحفظ برخی کشورها برای صیانت از شهروندان‌شان در برابر نهادهای ناظر پیرامون موضوعات بحث برانگیز، کافی نباشد.

ج) شاخص‌های بحث برانگیز دستور کار ۲۰۳۰ را جلو خواهند برد

یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌ها این واقعیت است که زمانی که اهداف اصلی و فرعی *SDG* مورد توافق کشورهای عضو قرار گرفت، صدها شاخصی که برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت در رسیدن به اهداف *SDG* مورد استفاده قرار خواهند گرفت، تعریف نشده باقی ماندند. همین‌جا یکی از مشکلات اساسی ریشه کرده است.

از آنجایی که فعالان ضد خانواده نمی‌توانستند طرز تفکر و جایگاه خود را در طول مذاکرات شفاف *SDG* اتخاذ کنند، و در بسیاری موارد، پیشنهادها بحث برانگیز آن‌ها (نظیر اشاره‌هایی به سقط جنین، حقوق جنسی، هویت جنسیتی و آموزش جامع جنسیتی) به طور کامل رد می‌شد، واضح است که آن‌ها در حال دست‌کاری شاخص‌ها هستند تا از آن طریق به اهداف مورد نظر خود دست یابند.

در حال حاضر بعضی از شاخص‌های مطرح شده، که برای کمک به دفاتر سازمان ملل متحد و دولت‌ها جهت سنجش میزان دستیابی به اهداف *SDG* در نظر گرفته شده‌اند، فراتر از آن چیزی است که کشورهای عضو در زمان انجام گفتگوها پیرامون کلمه به کلمه اهداف اصلی و فرعی، دقیق و پر زحمت مورد مذاکره قرار داده‌اند.

برای مثال شاخص‌هایی که برای مواردی که در ادامه می‌آیند ارائه شده‌اند، از این نوع هستند: الف) نگرش کودکان به موضوع *LGBT* (ب) دسترسی به سقط جنین و خدمات بهداشت باروری برای کودکان بدون رضایت والدین، ج) اجرای آموزش جامع جنسیتی بحث برانگیز یا برنامه‌های «حقوق بشر». اگرچه در زمان انتشار این گزارش برخی از این شاخص‌ها در آخرین پیشنهادها ارائه شده توسط گروه‌های خبره و بین سازمانی که روی شاخص‌های *SDG* کار می‌کنند^۴ باقی نمانده است، اما نشان می‌دهند که چگونه دفاتر متعدد سازمان ملل و سایر ذی‌نفعان علاقه دارند تا *SDG* و اهداف فرعی آن را مورد تفسیر و اجرا قرار دهند.

یکی دیگر از موارد نگران‌کننده اقدامات کارشناسان سازمان ملل متحد، دفاتر مختلف سازمان ملل متحد و نهادها معاهده‌ای هستند که به شکل فزاینده‌ای خارج از حدود وظایف و اختیارات خود برای ترویج حقوق جنسی بحث برانگیز و حق سقط جنین که به دفعات

۳- عبارت *LGBT* مخفی برای زنان هم‌جنس باز (*Lesbian*)، مردان هم‌جنس باز (*Gay*)، دوجنسی‌ها (*Bisexual*) و تراجنسیتی‌ها (*Transgender*) است. گاهی اوقات یک حرف *I* نیز (*Intersex*) به آن اضافه می‌شود که حاصل *LGBTI* خواهد شد تا شامل افرادی شود که دوجنسه (*Intersex*) هستند. یعنی شرایط نادر که یک شخص با دستگاه تناسلی مبهم یا با آلت تناسلی دارای ویژگی‌های هم‌زمان مرد و زن به دنیا می‌آید. گاهی نیز یک حرف *Q* (*Questioning*) به آن اضافه می‌شود و *LGBTQI* را تشکیل می‌دهد و شامل افرادی می‌شود که در جستجو و تجربه پیرامون هویت جنسیتی و گرایش جنسی خود هستند.

۴- نگاه کنید به گزارش بین‌سازمانی و گروه کارشناسان در مورد شاخص‌های اهداف توسعه پایدار، شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد،

توسط کشورهای عضو رد شده است، تلاش می‌کنند. این نهادها در حال حاضر برای تسلط و تأثیر در فرایند نظارت بر *SDG* رقابت می‌کنند تا به ترویج موضوعات بحث برانگیز خود بپردازند.

نهادهای سازمان ملل به‌طور فزاینده‌ای در حال نقض منشور ملل متحد هستند، که به‌وضوح بیان می‌کند «سازمان ملل متحد برای دخالت در اموری که اساساً در صلاحیت داخلی هر کشور هستند...» (منشور ملل متحد، ماده ۷-۲) مجاز نیست. با این حال، همان‌گونه که در برخی از بخش‌های این گزارش آشکار خواهد شد، بسیاری از شاخص‌های ارائه شده دقیقاً همان کار را خواهند کرد.

۲- تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان

الف) اصطلاحات مشکل‌ساز مرتبط با ترویج موضوع *LGBT*

اصطلاحات متعددی که در سند نهایی دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد ظاهر شده است، اصطلاحاتی هستند که معمولاً برای ترویج حقوق مردان هم‌جنس‌باز، زنان هم‌جنس‌باز و تراجنسیتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. ساده‌لوحانه است که فکر کنیم درج این اصطلاحات از سوی ایالات متحده، اتحادیه اروپایی و سایر کشورهایی که به شدت برای گنجاندن هرچند ناموفق موادی جهت ترویج حقوق *LGBT* در اهداف اصلی و فرعی *SDG* فشار وارد آوردند، از روی قصد و غرض نبوده است. در واقع رهبران دولت‌ها در بسیاری از کشورهای توسعه یافته، من جمله ایالات متحده، اظهار کرده‌اند که ترویج حقوق *LGBT* در سایر کشورها یکی از اولویت‌های سیاست خارجی است.^۵

بخش‌های پیش رو اصطلاحات منعطف و مبهمی را برجسته می‌سازد که به شکل استراتژیکی در دستور کار ۲۰۳۰ گنجانده شده‌اند و نشان می‌دهد که این‌ها چگونه به احتمال زیاد برای ترویج برنامه‌ها و طرح‌هایی نظیر ترویج حقوق *LGBT*، حق سقط جنین و آموزش جامع جنسیتی، که می‌تواند اثر منفی روی خانواده داشته باشند، مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

۱- جنسیت: یک جعبه جادویی از همه حالات ممکن

اهداف توسعه پایدار - «جنسیت»

هدف اصلی ۵. دستیابی به تساوی جنسیتی^۱ و توانمندسازی همه زنان و دختران

هدف فرعی ۵-ج. تقویت و اتخاذ سیاست‌های مطمئن و مناسب و همچنین وضع قوانین قابل اجرا برای ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در کلیه سطوح.

واژه «جنسیت (*gender*)» اغلب به جای واژه «جنس (*sex*)» به کار می‌رود تا به رسمیت شناختن تنوع جنسیتی را ترویج ببخشد. در حالی که در موارد بسیاری از دستور کار ۲۰۳۰، جنسیت (*gender*) به وضوح تنها به مذکر و مؤنث اشاره دارد، با این حال جنسیت می‌تواند به مثابه اسب تروایی باشد که حقوق تراجنسیتی‌ها و سایر موضوعات بحث برانگیز را با توجه به چگونگی تفسیر و اجرای آن، با خود به همراه داشته باشد. کشورهای توسعه یافته و دفاتر سازمان ملل متحد که همواره برای ترویج حقوق *LGBT* فشار می‌آورند، اصطلاح جنسیت را در *SDG* به گونه‌ای تفسیر خواهند کرد که بتواند حقوق تراجنسیتی‌ها و نیز سایر انواع جنسیت را، نظیر هر کدام از ۵۰ نوع جنسیت شناخته شده در فیس‌بوک، ترویج دهند.

اصطلاح «تساوی جنسیتی (*gender equality*)» در سرتاسر دستور کار ۲۰۳۰ به کار رفته است. برای مثال، هدف فرعی ۵-ج در *SDG* از دولت‌ها می‌خواهد سیاست‌ها و قوانین اجرایی را به منظور ترویج «تساوی جنسیتی» اتخاذ کنند. هنوز بسیاری از دولت‌ها از این موضوع آگاهی ندارند که این هدف فرعی چگونه می‌تواند برای ترویج حقوق *LGBT* تفسیر شود. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که چگونه دفاتر سازمان ملل و دولت‌ها پیش از این اصطلاحات «جنسیت» و «تساوی جنسیتی» را در جهت ترویج تنوع جنسی و گرایش‌های جنسی تفسیر کرده‌اند.

۵- سخنرانی ایراد شده توسط هیلاری رودهام کلینتون در ۶ دسامبر ۲۰۱۱ در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو سویس، در رویداد بزرگداشت روز جهانی حقوق بشر.

- وبسایت برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP) اظهار می‌دارد که در حال کار بر روی شناسایی «شکاف سیاستی» در برآورده کردن هدف شماره ۳ در MDG^V (هدف قبلی در تساوی جنسیتی) هستند و این کار را از طریق «حساس کردن نمایندگان دولت‌ها و سایر تصمیم‌سازان در مورد اصلاحات قانونی فراگیر جنسیتی، از جمله در حقوق و نیازهای بهداشتی زنان هم‌جنس‌باز» انجام می‌دهند. از آنجایی که هدف فرعی ۵-ج در SDG خواستار «قوانین اجرایی برای ترویج تساوی جنسیتی» است، طبیعی است که ببینیم UNDP چطور ممکن است هدف فرعی ۵-ج را به گونه‌ای تفسیر کند که ترویج قوانین اجرایی برای صیانت از حقوق زنان هم‌جنس‌باز را در بر بگیرد.
- دفتر UN Women در سندی با عنوان «نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تبعیض و خشونت علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی - یک بررسی برنامه‌محور» گزارش داده است که «تعدادی از دفاتر UN Women در کشورهای مختلف از سال ۲۰۱۳ روی حقوق اشخاص LGBTI کار کرده‌اند»، از جمله «ایجاد گروه‌های مدافع تساوی جنسیتی، نظیر انجمن‌های LGBTI، برای شرکت در گفتگوهای سیاسی با دولت در ویتنام».
- در گزارش مشابهی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) اظهار می‌کند که «تمایلات جنسی نمی‌تواند بدون اشاره به جنسیت فهم شود و این تنوع، ویژگی بنیادین تمایلات جنسی است».
- هدف فرعی ۴-الف در SDG را در نظر بگیرید که خواستار «امکانات آموزشی متناسب با کودکان، معلولان و جنسیت‌ها» است. بسیاری از دولت‌ها ممکن است فکر کنند این به معنای ایجاد مدارسی است که متناسب با نیازهای زنان و دختران است. با این حال سند «ساخت یک مدرسه با محیط مناسب برای جنسیت»، که نشریه مورد حمایت سازمان بهداشت جهانی و یونسکو است، تعریف وسیع‌تری از جنسیت را در بر می‌گیرد و می‌گوید: «... در بحث پیرامون موضوع جنسیت در ارتباط با مؤسسه‌های آموزشی، در نظر گرفتن همه جنسیت‌ها و هویت‌های جنسیتی به منظور پرورش و رشد همه‌ی یادگیرندگان اهمیت دارد... [و] ترویج حقوق همه افراد فارغ از جنسیت و تمایلات جنسی باعث تقویت این جایگاه خواهد شد».^۸
- اتحادیه اروپایی به تازگی تصمیم گرفته است که حقوق تراجنسیتی‌ها را به عنوان بخشی از «استراتژی تساوی جنسیتی»^۹ ترویج بدهد. در اعلام این تغییر، عضو کمیته حقوق زنان و تساوی جنسیتی اظهار داشت که: «من متقاعد شده‌ام که تساوی جنسیتی نه تنها باید به عنوان یک هدف اصلی مورد توجه قرار گیرد، بلکه به مثابه کلیدی طلایی است که تمامی درهای بسته را خواهد گشود و همه ما را به یک جامعه فراگیر برای همه، فارغ از نژاد، سن، جنسیت، گرایش جنسیتی، هویت جنسی، قومیت و پیشینه اقتصادی، سوق خواهد داد. هنوز هم عوامل زمینه‌ساز تبعیض هستند، و مطمئناً ما نیازمند قوانین قوی‌تر و جامع‌تری در این زمینه در اتحادیه اروپایی هستیم».
- «طرح تساوی LGBT و تساوی جنسیتی در هلند»، تساوی LGBT را با تساوی جنسیتی در سیاست‌های دولت از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، در هم آمیخته است.
- سند جدید «اقدام برای تساوی جنسیتی» در تایوان، که سندی اجرایی است، حکم می‌کند که برنامه آموزشی «تساوی جنسیتی» باید شامل «آموزش جنسی و آموزش هم‌جنس‌بازی زنان و مردان» شود.^{۱۱}

۷- منظور از MDG، «اهداف توسعه هزاره (Millennium Development Goals)» است.

۸- نگاه کنید به

<http://download.ei-ie.org/docs/IRISDocuments/EI۲۰/Campaigns/EFAIDS۲۰/Programme/۰۱-۰۰۱۶۹-۲۰۰۷-E.pdf>

۹- نگاه کنید به

www.lgbt-ep.eu/press-releases/new-eu-gender-equality-strategy-transgender-people-rights/

۱۰- نگاه کنید به

www.lgbt-ep.eu/press-releases/new-eu-gender-equality-strategy-transgender-people-rights/

۱۱- نگاه کنید به

[https://en.wikipedia.org/wiki/Gender_Equity_Education_Act_\(Taiwan\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Gender_Equity_Education_Act_(Taiwan))

یکی از مشکل‌سازترین اشاره‌ها به «جنسیت» در دستور کار ۲۰۳۰، هدف فرعی ۱۷-۱۸ است که خواستار «داده‌های با کیفیت، به‌موقع و موثق در حوزه‌های مختلف مانند: ... جنسیت» می‌باشد. در طول مذاکرات *SDG* پیشنهادهایی برای جایگزین کردن اصطلاح «جنسیت (*gender*)» به جای «جنس (*sex*)» در این هدف فرعی به‌طور م‌صرانه توسط کشورهای که بیش‌ترین فعالیت را در زمینه ترویج حقوق *LGBT* دارند، صورت پذیرفت. لذا نباید تعجب کنیم اگر داده‌ها و آمار گردآوری شده توسط دفاتر سازمان ملل و این کشورها، در اجرای این هدف فرعی، متمرکز بر جمعیت *LGBT*ها باشد. چرا که بعدها برای پیش‌برد حقوق *LGBT* به‌کار خواهد رفت.

تعدادی از کشورها با شناسایی ظرفیت‌های بالقوه در سوءتفسیر عمدی و بحث برانگیز از اصطلاح «جنسیت» و «تساوی جنسیتی»، نسبت به اصطلاح «جنسیت» در *SDG* اعلام حق تحفظ کرده‌اند؛ با این توضیح که از این اصطلاح فقط باید اشاره به مرد و زن برداشت شود، و اصطلاح «تساوی جنسیتی» نیز فقط اشاره به تساوی بین دو جنس داشته باشد. با این وجود بسیاری از کشورها نسبت به اصطلاح «جنسیت» اعلام حق تحفظ نکرده‌اند و پیدا کردن حق تحفظ صادر شده توسط برخی از کشورها نیز تقریباً غیرممکن است. گویی آن‌ها به دستور کار ۲۰۳۰ ضمیمه نشده‌اند. این مسئله به احتمال زیاد به عمد از سوی کشورهای توسعه یافته‌ای صورت پذیرفته است که به دنبال ترویج حقوق *LGBT* هستند.

در پرتو این تهدیدات، به سایر کشورهایی که بر روی اصطلاح «جنسیت» در این دستور کار اعلام حق تحفظ نکرده‌اند، توصیه می‌شود تا نسبت به آن اقدام کنند. همان‌طور که باید این کار باید در مورد سایر اصطلاحات بسیار مشکل‌ساز این دستور کار، که در ادامه گزارش برجسته خواهند شد، انجام دهند. اگرچه شاید این اقدام بی‌سابقه باشد، در عین حال موجه است. پیشنهادهایی برای اعلام حق تحفظ در مورد اصطلاح «جنسیت» و سایر اصطلاحات مشکل‌ساز در پنجم این گزارش یافت می‌شود.

۲- موضوع «فراگیر / فراگیری» *LGBT*

اهداف توسعه پایدار - «فراگیر» و «فراگیری»

هدف اصلی ۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه.

هدف فرعی ۴-الف) ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی متناسب با کودکان، معلولان و جنسیت‌ها و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به دور از خشونت و امن برای همه.

هدف اصلی ۸. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور و اشتغال شرافت‌مندانه برای همه.

هدف فرعی ۲-۱۰) توانمندسازی و ترویج جهت فراگیری همه افراد در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بدون توجه به سن، جنس، معلولیت، نژاد، قومیت، اصلیت، مذهب، وضعیت اقتصادی یا سایر وضعیت‌ها تا سال ۲۰۳۰.

هدف اصلی ۱۶. ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر در هم سطوح.

اصطلاح «فراگیر (*inclusive*)» یا «فراگیری (*inclusion*)» بیش از ۴۰ بار در دستور کار ۲۰۳۰ و به‌طور خاص ۵ بار در اهداف اصلی و فرعی ظاهر شده است. در حالی که اغلب مردم از اصطلاح «فراگیر» معنای مثبتی برداشت می‌کنند، که منظور از آن تلاش برای

رسیدن به این هدف است که کسی از رشد و توسعه بازماند، اما این اصطلاح یک لغت کلیدی است که در ترویج حقوق *LGBT* به کار می‌رود. مثال‌های زیر که از دفاتر سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات گردآوری شده‌اند و مؤید این نکته هستند، در نظر بگیرید:

• گزارشی از *USAID* در سال ۲۰۱۴ تحت عنوان «رابطه بین فراگیری *LGBT* و توسعه اقتصادی»^{۱۲}، «تأثیر فراگیری اجتماعی زنان هم‌جنس‌باز، مردان هم‌جنس‌باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها (*LGBT*) را روی توسعه اقتصادی در ۳۹ کشور تحلیل می‌کند». برخی از سرفصل‌های این گزارش عبارتند از:

- مرتبط ساختن فراگیری *LGBT* و توسعه اقتصادی
- ابعاد خرد توسعه اقتصادی و فراگیری *LGBT*
- توصیف داده‌ها پیرامون حقوق *LGBT* و نتایج اقتصادی
- شاخص جهانی در مورد به رسمیت شناختن قانونی گرایش به هم‌جنس
- شاخص حقوق تراجنس
- ارتباط آماری بین حقوق *LGBT* و توسعه

• *UNICEF* از سال ۲۰۱۳ یک گروه کاری پیرامون *LGBTI* به راه انداخته است که تمرکز آن بر گشایش خط‌مشی و برنامه‌ریزی به عنوان یکی از دستور کارهای مرتبط با برابری در *UNICEF* است. بر اساس یکی از گزارش‌های *UNICEF*، این امر منجر به بحث پیرامون این موضوع شده است که «*UNICEF* چگونه می‌تواند موضوعات مرتبط با گرایش جنسیتی و هویت جنسی را به عنوان بخشی از تعهدات مربوط به برابری، فراگیری اجتماعی و حمایت از کنوانسیون حقوق کودک، شناسایی کند»^{۱۳}.

• یک خبر منتشر شده از اتحادیه اروپایی بدین صورت از راه‌اندازی یک صندوق مهم در اتحادیه اروپایی برای اشتغال و «فراگیری اجتماعی» خبر می‌دهد: «امروز، پارلمان اروپا آیین‌نامه‌ای به تصویب رساند که اولویت‌های صندوق اجتماعی اروپا (*ESF*) را برای بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ تعیین می‌کند. برای اولین بار، این صندوق در مبارزه علیه تبعیض جنسی، از جمله تبعیض علیه افراد تراجنسی، و گرایش‌های جنسی مشارکت خواهد داشت»^{۱۴}.

• *UNDP* از گزارش «بررسی اقلیت‌های جنسی و جنسیتی نپال: یک رهیافت فراگیر» حمایت کرده است، و هدفی را برای تأسیس «یک پایگاه شاهد در مورد حقوق *LGBT* و موضوعات اجتماعی در آسیا-اقیانوسیه از طریق برگزاری گفتگوهای ملی فراگیر» مدنظر قرار داده است.

• شبکه آموزشی مردان هم‌جنس‌باز و زنان هم‌جنس‌باز (*GLSEN*)، که یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های مدافع حقوق *LGBT* در ایالات متحده است، سندی با عنوان «توسعه منابع کلاس درس فراگیر برای *LGBT*» دارد، که در آن بهترین شیوه‌ها را پیرامون «برنامه درسی مورد تأیید و فراگیر برای همه دانش‌آموزان» ارائه می‌کند. درس‌ها «شامل نمایش وجهه مثبتی از تاریخ و رخ‌دادهای پیرامون زنان هم‌جنس‌باز، مردان هم‌جنس‌باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها (*LGBT*) است» و «برنامه درسی فراگیر برای *LGBT*» را به دانش‌آموزان ارائه می‌کند.

۱۲- نگاه کنید به

See <https://www.usaid.gov/sites/default/files/documents/15396/lgbt-inclusion-and-development-november-2014.pdf>

۱۳- نگاه کنید به

See http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Discrimination/LGBT_UN_SOGI_summary%20Nov2014.pdf

۱۴- نگاه کنید به

See <http://www.lgbt-ep.eu/press-releases/major-eu-fund-for-employment-and-social-inclusion-will-combat-discrimination/>

- شاخص فراگیری اجتماعی در ۲۰۱۴^{۱۵} که توسط جامعه امریکا (شورای امریکا) منتشر شده است، می‌گوید «ما فراگیری اجتماعی را در گستره وسیعی از حقوق (نظیر شهروندی، سیاسی، زنان و LGBT)، سیاست‌ها (نظیر سرمایه‌گذاری اجتماعی)، شرایط ... تعریف کرده‌ایم».
- صفحه ۷۰ گزارش بانک جهانی با عنوان «مسئله فراگیری: مبنایی برای رفاه مشترک» اظهار می‌دارد که «زنان هم‌جنس باز، مردان هم‌جنس باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها (LGBT) اگر نه در اکثر فرهنگ‌ها، حداقل در بسیاری فرهنگ‌ها مورد محرومیت قرار گرفته‌اند». صفحه ۶ این گزارش نشان می‌دهد که «برخی هویت‌هایی که در دهه‌های گذشته به فراگیری یا محرومیت اجتماعی آن‌ها اذعان نمی‌شد، امروزه مورد تصدیق قرار گرفته‌اند».
- به تازگی، دیدگاه‌های ایالات متحده در کنفرانس زیست‌گاه ۳، در دسامبر ۲۰۱۵ منتشر شد که شامل دیدگاه پیش رو پیرامون «شهرهای فراگیر» است: «فراگیری باید شامل نگرانی‌ها و نیازهای همه گروه‌ها و اقلیت‌ها بدون در نظر گرفتن گرایش‌های جنسی، هویت جنسیتی، و سن از جمله پیر و جوان باشد».

این مثال‌ها به وضوح نشان می‌دهد تعداد رو به افزایشی از کشورهای عضو، سازمان‌ها و نهادهای سازمان ملل متحد، توسعه «فراگیر» را به گونه‌ای تعریف می‌کنند که مشمول ترویج حقوق LGBT شود. با توجه به این نکته، برخی دیگر از مطالب دستور کار ۲۰۳۰ که در آن‌ها اصطلاح «فراگیر» آمده است، معنا و مفهوم مضاعفی پیدا می‌کنند. برای مثال، هدف اصلی ۱۶ چنین درخواستی از دولت‌ها دارد: «ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخ‌گو و فراگیر [بخوانید: LGBT] در همه سطوح».

هم‌چنین پاراگراف ۶۸ دستور کار ۲۰۳۰ اظهار می‌دارد که «تجارت جهانی، ابزاری برای رشد اقتصادی فراگیر و کاهش فقر است و در ترویج توسعه پایدار نقش دارد. ما به ترویج یک نظام جهانی ... فراگیر، به دور از تبعیض، منصفانه و چندجانبه برای تجارت تحت نظارت سازمان تجارت جهانی ادامه می‌دهیم». در ایالات متحده لابی‌گران حوزه LGBT دولت را برای انصراف از تجارت با کشورهای که قوانین تبعیض‌آمیزی علیه افراد LGBT دارند تحت فشار قرار داده‌اند. خوش‌بختانه آن‌ها هنوز به موفقیتی دست نیافته‌اند.

۳- «آزادی‌های بنیادین» و «توافق‌های بین‌المللی»

اهداف توسعه پایدار - «آزادی‌های بنیادین»

هدف فرعی ۱۰-۱۶) تضمین دسترسی عمومی به اطلاعات و پاس‌داشت آزادی‌های بنیادین در راستای مقررات ملی و توافق‌های بین‌المللی

پاراگراف ۱۹ از دستور کار ۲۰۳۰: ما در راستای منشور سازمان ملل متحد، بر مسئولیت‌های همه کشورها در ترویج، حفظ و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه، به دور از هر گونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، دیدگاه سیاسی یا غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، مالکیت، تولد، معلولیت و یا سایر وضعیت‌ها تأکید می‌کنیم.

هدف فرعی ۱۰-۱۶ در *SDG* خواستار حفظ «پاس‌داشت آزادی‌های بنیادین در راستای مقررات ملی و توافق‌های بین‌المللی» است. بسیاری از دفاتر سازمان ملل متحد، از جمله دفتر کمیساری عالی حقوق بشر (*OHCHR*) و شمار رو به افزایشی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد مدعی هستند که «آزادی‌های بنیادین» شامل حقوق بحث برانگیز *LGBT* می‌شود و اظهار می‌دارند که بسیاری از «توافق‌های بین‌المللی» از این حقوق مورد ادعا به‌خوبی حفاظت می‌کنند.

برای مثال یکی از اسناد منتشر شده توسط *OHCHR* در سال ۲۰۱۲ با عنوان «تولدی آزاد و برابر: گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر» قصد دارد تا «تعهدات کلیدی کشورها تحت نظر قوانین بین‌المللی برای حفظ حقوق اشخاص *LGBT*» را مطرح کند. هم‌چنین دفتر *OHCHR* به تازگی اعلام کرده است که «در حال حاضر به دنبال تنظیم یک کتابچه راهنما پیرامون حقوق بشر، گرایش جنسی و هویت جنسیتی است، و به طور هم‌زمان گزارشی از کارهای خوب انجام شده توسط کشورهای در ترویج و صیانت از حقوق بشر اشخاص *LGBT* و دوجنسه (*intersex*) را تنظیم می‌کند».

این دسته از اسناد مشترک تولید شده توسط دفاتر سازمان ملل متحد اغلب آن دسته از توصیه‌ها، مشاهدات و تفاسیر خارج از حدود اختیارات قانونی هیأت‌های ناظر بر معاهدات سازمان ملل را که توسط گزارش‌گران ویژه سازمان ملل تهیه می‌شوند، نقل می‌کنند تا به نوعی از ادعاهای آن‌ها حمایت کند. هر چند چنین مستنداتی بار قانونی ندارند و غیرالزام‌آور هستند. این نهادها می‌توانند به احتمال بسیار زیاد ادعا خواهند کرد که «توافق‌های بین‌المللی» در هدف فرعی ۱۰-۱۶، از حقوق *LGBT* حفاظت به‌عمل می‌آورند.

مثالی واضح از این موضوع، سندی با عنوان «زنان هم‌جنس‌باز، مردان هم‌جنس‌باز، دوجنسی‌ها و تراجنسی‌ها» است که بخشی از سند «مجموعه اطلاعات پیرامون حقوق و بهداشت باروری و جنسی» می‌باشد که توسط *OHCHR* تهیه و تنظیم شده است. این سند می‌گوید «تعهدات قانونی کشورها به‌منظور حفاظت از حقوق بشر اشخاص *LGBT* و دوجنسه، به خوبی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر گنجانده شده است». اگر اصطلاح «حقوق بشر» به عنوان حقوق اساسی چنین افرادی، نظیر سایر آحاد جامعه، در نظر گرفته شود در این صورت چنین بیانیه‌ای درست است. با این حال، سند مذکور در *OHCHR* به منظور ترویج حقوق به شدت بحث برانگیز *LGBT*، پا را فراتر می‌گذارد.

برای مثال سند *OHCHR* ادعا می‌کند که «متن معاهده حقوق بشر سازمان ملل پنج تعهد کلیدی را برای کشورها» در رابطه با «گرایش جنسی و هویت جنسیتی» برجسته کرده است. این تعهدات مورد ادعا شامل «لغو قوانین جرم‌انگاری هم‌جنس‌گرایی و پوشیدن لباس جنس مخالف»، «نفی تبعیض بر اساس گرایش‌های جنسی و هویت جنسیتی» و «صیانت از آزادی برگزاری تظاهرات، تجمعات و گردهم‌آیی‌های مسالمت‌آمیز برای همه افراد *LGBT* و دوجنسی» است.

سپس سند *OHCHR* نظرات عمومی غیرالزام‌آور هیأت‌های ناظر بر تعهدات را نقل می‌کند و کمپین «تولدی آزاد و برابر» که متعلق به خود *OHCHR* است، از این ادعای غلط حمایت می‌کند. پیرامون موضوع «تبعیض»، سند *OHCHR* بیان می‌دارد که «درمان تغییر جنسیت، اگر در دسترس باشد، گران است و سرمایه‌گذاری دولتی یا پوشش بیمه‌ای به ندرت وجود دارد». بدین ترتیب ادعا می‌کند که کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد شده است تا مشخص کند که «هر نوع تبعیضی مبتنی بر ... گرایش جنسی در دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و عوامل اساسی سلامت، نظیر ابزارها و حقوق دسترسی به آن‌ها» مشکل‌ساز است. به عبارت دیگر، *OHCHR* به دروغ ادعا می‌کند که کشورها متعهد شده‌اند که «درمان تغییر جنسیت» را (که شامل عمل تغییر جنسیت خواهد شد) از محل بودجه‌های دولتی برای تراجنسی‌ها تأمین کنند، تا به تعهداتشان در سایه قوانین بین‌المللی حقوق بشر عمل کرده باشند.

علاوه بر این، بیانیه به شدت بحث برانگیز حقوق جنسی که با نام اصول یوگیاکارتا^{۱۱} شناخته می‌شود، و توسط نه تن از گزارش‌گران ویژه سازمان ملل متحد امضاء شده است، «انعکاس وضعیت موجود قوانین بین‌المللی حقوق بشر در ارتباط با موضوع گرایش جنسی و هویت جنسیتی» را مورد ادعا قرار می‌دهد. اصول یوگیاکارتا مدعی است که مقررات مربوط به تساوی و نفی تبعیض در معاهدات موجود، رفتارها و سبک زندگی *LGBT* را مورد حفظ و صیانت قرار می‌دهد. با این حال، این مفاهیم هیچ‌گاه مشمول هیچ‌یک از توافق‌های الزام‌آور سازمان ملل متحد نبوده است.

دفتر سازمان ملل هم‌چنین مدعی هستند که توافق‌نامه‌های بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر، حمایت بسیار خوبی از حقوق *LGBT* به عمل آورده‌اند. در موضوع «حقوق بشر»، هیلاری کلیتون شخصیتی است که به‌خاطر سخنرانی ننگینش در سازمان ملل در روز جهانی حقوق بشر، به احتمال بسیار زیاد همواره در اذهان جهانیان باقی خواهد ماند. او در این سخنرانی اظهار داشت «حقوق مردان هم‌جنس‌باز همان حقوق بشر است، و حقوق بشر همان حقوق مردان هم‌جنس‌باز». این اظهارنظری است که به‌طور خلاصه نشان می‌دهد که اصطلاح «حقوق بشر» چگونه توسط جمع کثیری تفسیر می‌شود. از آنجایی که هم‌اکنون اصطلاح «حقوق بشر» مورد استفاده فعالان حقوق جنسی نیز قرار گرفته است، لذا همواره باید با عبارت «مورد توافق جهانی» اصلاح و تعدیل شود تا این اطمینان ایجاد شود که نمی‌توان از آن سوءتفسیر به عمل آورد. با این حال اصطلاح «حقوق بشر» در جای جای دستور کار ۲۰۳۰، و در اغلب موارد هم بدون تعیین حدود، مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- مقررات مشکل‌ساز پیرامون «تبعیض»

اهداف توسعه پایدار - «تبعیض»

هدف فرعی ۱۶-ب) ترویج و اجرای قوانین و خط‌مشی‌های عاری از تبعیض برای توسعه پایدار

هدف فرعی ۳-۱۰) تضمین ایجاد فرصت‌های برابر و کاهش نابرابری در دستیابی به نتیجه، از جمله از طریق: از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز و ترویج قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و انجام اقدامات مناسب در این رابطه.

هدف فرعی ۳-۱۰ در *SDG* خواستار «از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز» است بدون اینکه معین کند چه نوعی از تبعیض مورد اشاره است. این مسئله فضا را برای تفا سیر و سیع در ترویج حقوق *LGBT* باز خواهد گذاشت. مثال‌های زیر نشان می‌دهد که دفتر سازمان ملل متحد چگونه به‌طور آشکارا در حال حاضر مقررات نفی تبعیض را برای ترویج حقوق *LGBT* تفسیر می‌کند.

برای مثال در سال ۲۰۱۲، *OHCHR* اولین گزارش رسمی سازمان ملل متحد را در مورد خشونت و «تبعیض» با عنایت به گرایش جنسی و هویت جنسیتی آماده کرد (*A/HRC/19/41*). سپس در سال ۲۰۱۳، کمیساریای عالی حقوق بشر، کمپین «آزاد و برابر» را با هدف «بالا بردن آگاهی برای تبعیض و خشونت علیه هم‌جنس‌هراسی و تراجنس‌هراسی» به‌راه انداخت.

بعد از آن، در نوامبر ۲۰۱۴، *OHCHR* گزارش جامعی با عنوان «نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تبعیض و خشونت علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی - یک بررسی برنامه‌محور»^{۱۷} منتشر کرد. این گزارش شامل اطلاعاتی بود که از طرف ۱۲ دفتر سازمان ملل دریافت شده بود و خلاصه‌ای از اقدامات آن‌ها در مبارزه با تبعیض و خشونت بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را فراهم کرده بود، و اقدامات صورت گرفته توسط آن‌ها در حمایت از جوامع زنان هم‌جنس‌باز، مردان هم‌جنس‌باز، دوجنسی‌ها، تراجنسی‌ها (*LGBT*) و دوجنسه‌ها (*Intersex*) در سرتاسر جهان، را نیز گرد آورده بود.

گزارش مذکور دفاتری از سازمان ملل را که در تنظیم آن مشارکت داشتند بدین صورت فهرست کرده بود: *UNDP*، *OHCHR*، *UNHCR*، *UNFPA*، *UNICEF*، *UN Women*، *JLO*، *UNESCO*، *WHO*، بانک جهانی و *UNAIDS* (برنامه مشترک با سازمان ملل برای *HIV/AIDS*).

در نهایت در ۲۹ سپتامبر ۲۰۱۵، تنها چند هفته پس از تصویب دستور کار ۲۰۳۰ توسط سران کشورهای عضو، دبیرکل سازمان ملل متحد در یک رویداد مهم سازمان ملل پیرامون فراگیری *LGBT* و اهداف توسعه پایدار شرکت جست. این رویداد با عنوان «هیچ کس را پشت سر رها نکنیم»^{۱۸} در نظر گرفته شده بود تا حقوق مورد ادعای *LGBT*ها و اهداف توسعه پایدار را با یکدیگر پیوند دهد. دبیرکل سازمان ملل متحد حمایت عمیق خود را از ابتکار *OHCHR LGBT* تشریح کرد و گفت «بیانیه مشترک نشان داد که حمایت از حقوق افراد *LGBT* و دوجنسها (*Intersex*)، تنها یک مسئله شخصی نبود، بلکه به لحاظ نهادی، نظام سازمان ملل را گسترش خواهد داد». هینا جیلانی، گزارشگر ویژه سابق در زمینه مدافعان حقوق بشر نیز در این رویداد در حمایت از جوامع *LGBT* سخنرانی کرد.

۵- «یا سایر وضعیتها» شامل «گرایش جنسی» و «هویت جنسیتی» است

اهداف توسعه پایدار - «یا سایر وضعیتها»

هدف فرعی ۲-۱۰) توانمندسازی و ترویج جهت فراگیری همه افراد در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بدون توجه به سن، جنس، معلولیت، نژاد، قومیت، اصلیت، مذهب، وضعیت اقتصادی یا سایر وضعیتها تا سال ۲۰۳۰.

اصطلاح «یا سایر وضعیتها» در سند ۲۰۳۰ بسیار مشکل ساز شده است. خصوصاً از زمانی که کمیته سازمان ملل در امر نظارت بر معاهده «پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (*ICESCR*)» نظر عمومی شماره ۲۰ را منتشر کرده است که اعلان می‌دارد «یا سایر وضعیتها» در بخش به‌دور از تبعیض آن معاهده شامل «گرایش جنسی و هویت جنسیتی» می‌شود. با این‌که این تفسیر در زمان مذاکره پیرامون معاهده، هرگز مورد توافق کشورهای عضو قرار نگرفت.

نظر عمومی شماره ۴ درباره «رشد و بهداشت نوجوان در سایه کنوانسیون حقوق کودکان (*CRC*)» که توسط کمیته *CRC* منتشر گردید ادعای مشابهی را مطرح می‌کند، مبنی بر این‌که کشورها نمی‌توانند هیچ‌گونه تبعیضی را بر مبنای دسته‌بندی‌های ارائه شده در ماده ۲ کنوانسیون *CRC* ارائه دهند. این دسته‌بندی‌ها عبارتند از «نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، اعتقادات سیاسی یا غیر از آن، اصالت ملی، قومی یا اجتماعی، دارایی، معلولیت، تولد یا سایر وضعیتها». سپس نظر عمومی شماره ۴ کمیته *CRC* این اظهار نظر را، که خارج از حدود اختیارات قانونی است، می‌افزاید که «این زمینه‌ها گرایش جنسی نوجوان و نیز وضعیت بهداشتی را پوشش می‌دهد». بار دیگر تأکید می‌کنم کمیته *CRC* این تفسیر بدون مبنا را در حالی خلق می‌کند که در *CRC* هیچ صحبتی از گرایش جنسی به میان نیامده است.

عبارت «یا سایر وضعیتها» دو بار در دستور کار ۲۰۳۰ مشاهده می‌شود که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

- اولاً هدف فرعی ۲-۱۰ در *SDG* می‌گوید «توانمندسازی و ترویج جهت فراگیری همه افراد در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، بدون توجه به سن، جنس، معلولیت، نژاد، قومیت، اصلیت، مذهب، وضعیت اقتصادی یا سایر وضعیتها تا سال ۲۰۳۰».

لذا اگر تعریف «یا سایر وضعیتها» در هدف فرعی ۲-۱۰ از مجموعه اهداف *SDG* مطابق نظریات عمومی شماره ۴ و ۲۰ به‌کار رفته باشد، بدان معناست که خواستار «فراگیری» سیاسی و اجتماعی هم‌جنس‌گرایان، تراجنسیتی‌ها، دوجنسیتی‌ها و سایر جنسیت‌ها است و می‌تواند به در بر گرفتن هر یک از افزون بر ۵۰ جنسیتی که توسط فیس‌بوک به رسمیت شناخته شده است، تفسیر شود.

• ثانیاً عبارت «یا سایر وضعیت‌ها» در پاراگراف ۱۹ دیده می‌شود که می‌گوید این «مسئولیت همه کشورها در راستای منشور سازمان ملل متحد، ترویج، حفظ و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین برای همه به دور از هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد، رنگ، جنسیت، مذهب، دیدگاه سیاسی یا غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، مالکیت، تولد، معلولیت و یا سایر وضعیت‌ها [بخوانید: «گرایش جنسی و هویت جنسیتی» به‌عنوان یک تفسیر بسیار محتمل]» است.

در این صورت با به‌کارگیری تفسیر برآمده از نظریات عمومی شماره ۴ و ۲۰، این پاراگراف از دولت‌ها می‌خواهد که حقوق هم‌جنس‌گرایان و تراجنسیتی‌ها و ... را مورد «ترویج، حفظ و احترام» قرار دهند. اگرچه اغلب بر این باورند که به همان دلیلی که حقوق اساسی بشر باید برای همه مردم مورد حفاظت قرار گیرد، در مورد افراد *LGBT* نیز باید چنین باشد، اما احتمال می‌رود که عبارت «یا سایر وضعیت‌ها» در *SDG* در نهایت برای ترویج حقوق بحث برانگیز *LGBT* از جمله ازدواج هم‌جنس‌گرایان، حق فرزندخواندگی و ... به‌کار رود. در حقیقت ترویج حقوق بر اساس گرایش جنسی تقریباً همواره منجر به تزامم با حقوق آزادی مذهبی می‌شود.

۶- «کاهش نابرابری» در داخل کشورها

اهداف توسعه پایدار - «کاهش نابرابری»

هدف ۱۰. کاهش نابرابری در درون و در میان کشورها

هدف فرعی ۳-۱۰) تضمین ایجاد فرصت‌های برابر برای همه و کاهش نابرابری در دست‌یابی به نتیجه، از جمله از طریق: از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز و ترویج قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری و انجام اقدامات مناسب در این رابطه. پاراگراف ۱۴ از سند ۲۰۳۰: نابرابری جنسیتی هم‌چنان چالش عظیمی است.

هدف اصلی ۱۰ با درخواست از دولت‌ها برای «کاهش نابرابری در داخل ... کشور»، از آنجایی که هیچ ذهنیتی ارائه نمی‌کند که دولت‌ها قرار است چه نوع «نابرابری‌ها» را کاهش دهند، درها را برای هر گونه تفسیری باز می‌گذارد. اگرچه بسیاری از دولت‌ها احتمالاً این ادبیات را فقط برای اشاره به نابرابری‌های اقتصادی میان مردان و زنان در نظر می‌گیرند، اما ممکن است هدف ۱۰ به‌منظور الزام دولت‌ها برای کاهش نابرابری میان غیرهم‌جنس‌گرایان و هم‌جنس‌گرایان و نیز بین تراجنسیتی‌ها و هم‌سوجنسیتی‌ها^{۱۹} (یک اصطلاح برای کسانی که تراجنسیتی نیستند) تفسیر شود.

هدف فرعی ۳-۱۰ در *SDG* به دنبال «کاهش نابرابری در دست‌یابی به نتیجه» از جمله از طریق «از میان بردن قوانین، سیاست‌ها و اقدامات تبعیض‌آمیز و ترویج قانون‌گذاری مناسب» است. از آنجایی که هدف فرعی ۳-۱۰ مشخص نمی‌کند که چه نوعی از «نتایج» نابرابر، «نابرابری‌ها» یا «تبعیض» یا «اقداماتی» باید از میان برداشته شوند، لذا فضا را به‌گونه‌ای باز می‌گذارد که از ادبیات موجود این‌گونه تفسیر شود که منظور الزام دولت‌ها برای تغییر قوانین و سیاست‌هایی است که از آن‌ها ایجاد «نتایج» نابرابر یا تبعیض علیه *LGBT*‌ها برداشت می‌شود. این ابهام به احتمال زیاد عمدی بوده است.

در حقیقت یک گزارش منتشر شده توسط *UNDP* در سال ۲۰۱۴ با عنوان «گمشده در انتقال: تراجنسیتی‌ها، حقوق و آسیب‌پذیری در برابر *HIV* در منطقه آسیا-اقیانوسیه» پیش از این تحلیلی انجام داده بود بر روی «تأثیر چارچوب‌های قانونی در نابرابری، به حاشیه رانده شدن و عواقب بهداشتی» برای تراجنسیتی‌ها در آسیا.

اهداف توسعه پایدار - «اسناد نهایی»

هدف فرعی ۶-۵) ضمانت دسترسی جهانی به بهداشت باروری و جنسی و دسترسی به حقوق باروری در راستای توافق‌های انجام شده در جریان کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه [ICPD] و اعلامیه و برنامه اقدام پکن، و بر مبنای اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزار شده در این ارتباط.

در خلال مذاکرات SDG، کشورهایی که توجه ویژه‌ای برای حقوق جنسی و سقط جنین دارند، در برابر همه تلاش‌ها برای فهرست کردن اسناد نهایی بازنگری معینی که هدف فرعی ۶-۵ بدان اشاره دارد، مقاومت کردند. احتمالاً به این دلیل که آن‌ها علاقمند هستند این عبارت، اسناد نهایی بازنگری بحث برانگیز ICPD و پکن را نیز که توسط دفاتر منطقه‌ای و دفاتر سازمان ملل تنظیم شده‌اند، در بر بگیرد.

برای مثال اسناد نهایی بنیادین حاصل از بازنگری ICPD توسط UNFPA، از جمله بازنگری‌های ۲۰ ساله ICPD در اجلاس جهانی جوانان در بالی از این دست هستند. بازنگری‌هایی که به رهبری دفاتر سازمان ملل صورت می‌پذیرد، همانند اسناد بازنگری منطقه‌ای، مملو از ارجاعاتی هستند که خواستار سقط جنین، آموزش جامع جنسیتی، حقوق تن‌فروشی، حقوق LGBT و ... می‌باشند. به علاوه، اسناد نهایی حاصل از بازنگری UNFPA با عنوان «ICPD پس از ۲۰۱۴» شامل بیش از ۵۰۰ اشاره بحث برانگیز است؛ از جمله ۳۹۱ اشاره به «جنسی»، ۲۵ اشاره به «گرایش جنسی»، ۶ اشاره به «تن‌فروشی»، ۴ اشاره به «تراجنسی»، ۱۸ اشاره به «آموزش جامع جنسیتی»، ۴۴ اشاره به «حقوق باروری و جنسی» و ۱۷۳ اشاره به «سقط جنین».

اسناد نهایی بازنگری اجلاس جهانی جوانان در بالی (بازنگری ICPD) که از یک کنفرانس مرتبط با جوانان به سازمان‌دهی UNFPA به دست آمده، خواستار قانونی کردن تن‌فروشی، ازدواج هم‌جنس‌گرایان، سقط جنین، لغو رضایت والدین، دسترسی جوانان به سقط جنین و آموزش جامع جنسیتی، حقوق LGBT و ... است.

از آنجایی که «اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزار شده در این ارتباط»، «حقوق باروری» را در هدف اصلی ۵ اصلاح می‌کند، و از آنجایی که برخی از اسناد نهایی بازنگری حقوق سقط جنین و LGBT را ترویج می‌نمایند، می‌توان عبارت «حقوق باروری» را این‌گونه تفسیر کرد که شامل دسترسی به سقط جنین و دسترسی LGBTها به فناوری‌های باروری، ترتیبات قانونی مربوط به رحم جایگزین، یا به فرزندخواندگی پذیرفتن کودکان شود. در حقیقت اصطلاح «حقوق باروری» حتی به تنهایی برای ترویج چنین حقوقی برای LGBTها به کار رفته است.

برای درک این مطلب که UNFPA اصطلاح «بهداشت باروری» را در زمینه «حقوق بشر» به چه صورتی تفسیر می‌کند، کافی است نگاهی به گزارش UNFPA با عنوان «ICPD و حقوق بشر: ۲۰ سال ترویج حقوق باروری» بیندازیم. این سند شامل ۱۱ اشاره به «گرایش جنسی»، ۶ اشاره به «تراجنسی» و ۵ اشاره به «هویت جنسیتی» است. هم‌چنین چندین اشاره به جرم‌زدایی از رفتار هم‌جنس و برپایی کمپین‌های عمومی برای از میان برداشتن تبعیض بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی می‌باشد، که همه این‌ها تحت لوای ترویج حقوق بهداشت باروری صورت می‌پذیرد.

UNFPA همچنین «قوانین محدود کننده سقط جنین» و «سقط جنین غیرقانونی» را به عنوان موانعی بر سر راه «حقوق باروری» فهرست کرده است. لذا این گزارش پیام واضحی با این مضمون ارسال می‌کند که UNFPA از «حقوق باروری» که در هدف فرعی ۵-ج در SDG آمده است، استفاده خواهد کرد تا به کشورها فشار بیاورد تا هر گونه قانون «محدود کننده» در موضوع سقط جنین را تغییر دهند. بنابراین شمول «حقوق باروری» در هدف فرعی ۵-ج در SDG در جعبه جادویی قوانین بحث برانگیز و منازعات سیاسی پیرامون تولیدمثل انسان را خواهد گشود.

در نهایت نیز باید گفت که جامعه پزشکی باروری امریکا مدعی است که اصطلاح «حقوق باروری» شامل حقوقی برای «باروری کمکی برای مردان هم‌جنس‌باز، زنان هم‌جنس‌باز و اشخاص مجرد» می‌باشد. در عین حال این ترتیبات، حقوق کودک مبنی بر «شناختن والدین و مراقبت شدن توسط آن‌ها» را، آن‌گونه که در ماده ۵ کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل مشخص شده است، نقض می‌کند. از همین رو رابطه کودکان فرزند خوانده زوج‌های هم‌جنس معمولاً به‌طور قانونی با یکی از والدین بیولوژیکی خود قطع شده است، بی آن‌که هیچ انتخابی در این موضوع داشته باشند.

ب) دستور کار به چه نحوی «آموزش جامع جنسیتی» را ترویج می‌کند؟

یک گروه بزرگ، که عمدتاً از کشورهای توسعه یافته تشکیل شده است، با حمایت دفاتر سازمان ملل متحد و سمن‌های فعال در زمینه حقوق جنسی بیانیه مشترکی را در خلال مذاکرات *SDG* منتشر کردند^{۲۰} که خواستار گنجاندن یک هدف فرعی آموزشی با عنوان «دسترسی جهانی به آموزش جامع جنسیتی» (که *CSE* شناخته می‌شود) بود. در واقع *CSE* ابزاری اصلی آن‌ها در مسیر اصلی احقاق حقوق *LGBT* و سقط جنین در جامعه است. وقتی که این گروه به خاطر مخالفت کشورهای در حال توسعه، از گنجاندن هدف فرعی مرتبط با *CSE* بازماندند، خرسند نبودند.

با این حال یک طرح پشتیبان داشتند. آن‌ها در حالی که در اختیاص یک هدف فرعی مرتبط با *CSE* شکست خورده بودند، موفق شدند تا اصطلاحات مبهم و منعطفی را در بسیاری از موضوعات مورد بحث بگنجانند تا بعدها بتوانند به راحتی آن‌ها را در قالب *CSE* تفسیر کنند.

اما مسئله اصلی بر سر «آموزش جامع جنسیتی» چیست و چرا اغلب کشورهای توسعه یافته و دفاتر سازمان ملل متحد مصرّب بودند که آن را در اهداف فرعی *SDG* وارد کنند؟ به علاوه چرا *CSE* تبدیل به یکی از بحث برانگیزترین اصطلاحات در سازمان ملل شده است، به گونه‌ای که کشورهای در حال توسعه قویاً با آن مخالفت می‌کنند و کشورهای توسعه یافته و دفاتر سازمان ملل همکاری همه‌جانبه‌ای در تحمیل آن به کودکان ساکن کشورهای در حال توسعه دارند؟ در حقیقت جنجال بر سر *CSE* در کمیسیون جمعیت و توسعه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ منجر به این شد که اسناد نهایی آن جلسه دور ریخته شود. چون گروه آفریقایی حاضر به پذیرش *CSE* نبود، در حالی که کشورهای در حال توسعه اصرار داشتند که باید به حساب آورده شود.

در خلال مذاکرات *SDG*، بیانیه‌های بسیاری صادر شد که ادعا داشت *CSE* مردم را از فقر نجات خواهد داد، تساوی جنسیتی را ترویج خواهد کرد و از بارداری در سنین نوجوانی، بیماری‌های عفونی مقاربتی، *HIV/AIDS*، خشونت علیه زنان و ... جلوگیری خواهد کرد. عمدتاً *CSE* به‌عنوان اکسیری برای همه معضلات جهان یاد می‌شود، در حالی که دقیقاً عکس آن صادق است.

۱. *CSE* به‌منظور برانگیختن تمایلات جنسی کودکان طراحی شده است

آموزش جامع جنسیتی یکی از بزرگ‌ترین تعدی‌ها به سلامتی و معصومیت کودکان است. این بدان دلیل است که *CSE*، بر خلاف آموزش جنسی سنتی که رفتار جنسی نرمال و سالم را می‌آموزد، از مطالب صریح و بی‌پرده برای ترویج رفتارهای جنسی پرخطر و بی‌قاعده به کودکان بهره می‌برد. برنامه‌های *CSE* تمرکز و سوساگونه‌ای دارند که به کودکان بیاموزند چگونه از هر راهی به لذت

۲۰- نگاه کنید به بیانیه مشترک گروه کاری آزاد در سیزدهمین جلسه بررسی اهداف توسعه پایدار (*SDG*)، ۱۴ تا ۱۸ جولای ۲۰۱۴، ایالات متحده، نیویورک - تحویل داده شده توسط جناب سفیر نوزیفو ماکاتو-دی-سیکو از آفریقای جنوبی از طرف آلبانی، آرژانتین، استرالیا، اتریش، بلژیک، بولیوی، بوسنی و هرزگوین، برزیل، بلغارستان، کیپ ورد، شیلی، کلمبیا، جزایر کوک، کاستاریکا، جمهوری چک، دانمارک، جمهوری دومینیکن، ال‌سالوادور، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، ایسلند، ایرلند، اسرائیل، ایتالیا، ژاپن، کیریباتی، لتونی، لیختن‌اشتاین، لیتوانی، لوکزامبورگ، مکزیک، موناکو، مونته‌نگرو، هلند، نروژ، پالاو، پاناما، پاپوآ گینه نو، فیلیپین، پرتغال، رومانی، ساموآ، صربستان، اسلواکی، اسلونی، آفریقای جنوبی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایلند، اوکراین، انگلستان، اروگوئه، وانواتو.

جنسی برسند؛ خواه از طریق استمناء، رابطه جنسی دهانی و مقعدی، و یا رابطه جنسی هم‌جنس‌گرایانه. غایت نهایی CSE تغییر هنجارهای جنسی و جنسیتی جامعه است. به همین دلیل است که می‌توان گفت چرا CSE باید به‌طور دقیق‌تر «آموزش سقط جنین، لاابالی‌گری و حقوق LGBT» خوانده شود.

یکی از بزرگ‌ترین ارائه‌دهندگان آموزش جامع جنسیتی Planned Parenthood می‌باشد. سازمانی چند میلیارد دلاری که سود خود را از طریق برانگیختن تمایلات جنسی کودکان به‌وسیله فروش کاندوم، و سایل پیش‌گیری از بارداری، خدمات مشاوره جنسی، سقط جنین و تجارت پر سود حاصل از آزمایش، درمان و مراقبت از HIV/AIDS به‌دست می‌آورد. وکلای Planned Parenthood در تلاش بودند تا اطمینان حاصل کنند که CSE یکی از اهداف فرعی SDG باشد^{۲۱}.

استانداردهای سازمان بهداشت جهانی برای آموزش جنسی در اروپا منجر به تظاهرات اعتراضی عظیمی از جانب پدران و مادران در لهستان شد. این اتفاق زمانی رویداد که آن‌ها از محتوای صریح این شیوه آموزش آگاهی یافتند. در حقیقت استانداردهای WHO چنین توصیه‌هایی را می‌کند: از زمان نوزادی تا سن ۴ سالگی آموزش در مورد استمناء، از ۴ تا ۶ سالگی آموزش در مورد «هنجارهای مختلف پیرامون تمایلات جنسی»، از ۶ تا ۹ سالگی آموزش در مورد «شیوه‌های مختلف پیش‌گیری از بارداری» و «ابراز علاقه به هم‌جنس»، از ۹ تا ۱۲ سالگی آموزش در مورد «لذت جنسی، استمناء و ارگاسم» و «حقوق جنسی مبتنی بر تعریف فدراسیون جهانی Planned Parenthood»، از ۱۲ تا ۱۵ سالگی آموزش در مورد «گرایش جنسی و هویت جنسیتی»، از ۱۵ سالگی به بعد آموزش در مورد «دیدگاهی انتقادی پیرامون هنجارهای مذهبی/فرهنگی گوناگون» و پذیرش و ارج نهادن به «تفاوت‌های جنسی». این همان آموزشی است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته تلاش می‌کردند تا مستقیماً وارد اهداف فرعی SDG کنند، اما موفق به گنجاندن آن به شکل غیرمستقیم شدند.

۲. آموزش بهداشت باروری و جنسی شامل CSE می‌شود

اهداف توسعه پایدار - «بهداشت باروری و جنسی»

هدف فرعی ۷-۳) تضمین دسترسی جهانی به خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری، از جمله: در راستای تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع‌رسانی و ادغام بهداشت باروری در برنامه‌ها و راهبردهای ملی تا سال ۲۰۳۰.

هدف فرعی ۷-۳ در SDG خواستار «خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری، از جمله: در راستای تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع‌رسانی» است. اگر شما ترتیب این نوشته را جابه‌جا کنید، به راحتی مشاهده خواهید کرد که هدف فرعی ۷-۳ خواستار «آموزش و اطلاع‌رسانی» پیرامون «تنظیم خانواده» و «خدمات بهداشت باروری» است. یعنی دقیقاً همان چیزی که اقدامات CSE ادعای تأمین آن را دارند.

در حقیقت، شاهد این مدعا را، که هدف فرعی مذکور می‌تواند به عنوان مطالبه‌ای برای اجرای CSE تلقی گردد، می‌توان در نتایج برآمده از یک نظرسنجی انجام شده توسط برنامه عملیاتی در نظام سازمان ملل برای جوانان^{۲۲}، یافت^{۲۳}، که ذیل عنوان «آموزش بهداشت باروری و جنسی» پاسخ‌دهندگان خواستار این بودند که «آموزش جامع جنسیتی، به‌عنوان مهم‌ترین اقدام در جهت تضمین

۲۱- برای مشاهده مستندات بیش‌تری پیرامون برنامه‌های به شدت نامناسبی که در زمینه CSE توسط سازمان ملل مورد حمایت قرار می‌گیرد تا تمایلات جنسی کودکان را برانگیزند، نگاه کنید به [ComprehensiveSexualitEducation.org](http://www.un.org/esa/socdev/unyin/documents/ReportonSWAPsurvey.pdf).

۲۲- United Nations System-wide Action Plan on Youth (SWAP)

۲۳- نگاه کنید به

آموزش مؤثر بهداشت باروری و جنسی برای جوانان، به عنوان بخش الزامی برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی و متوسطه قرار داده شود (۵۱/۳).

واضح است که نقشه اصلی، انجام اجرای برنامه‌ها بحث برانگیز *CSE* برای کودکان بدون آگاهی و رضایت والدینشان است. در حقیقت یک نظر عمومی صادر شده توسط کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد^{۲۴} ادعاهای دروغینی را مطرح می‌کند که توافقی‌های موجود برای صیانت از حقوق والدین را نقض می‌کند:

در پرتو مواد ۳، ۱۷ و ۲۴ کنوانسیون [CRC]، کشورهای عضو باید امکان دسترسی نوجوانان به اطلاعات مربوط به مسائل جنسی و باروری را فراهم کنند ... کشورهای عضو باید دسترسی مناسب به اطلاعات را بدون توجه به وضعیت تأهل، و موافق قبلی والدین یا قیم، تضمین کنند. (پاراگراف ۲۴)

به عبارت دیگر، کمیته *CRC* به دروغ ادعا می‌کند که کودکان حق «اطلاع‌رسانی در حوزه مسائل جنسی و باروری» [بخوانید *CSE*] را بدون رضایت و آگاهی والدین دارند.

هم‌چنین یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های موجود، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ پیرامون آزادی مذهب و عقیده است که به مجمع عمومی سازمان ملل ارسال شده است^{۲۵}. گزارش‌گر ویژه با استناد به کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (*CRC*)^{۲۶}، می‌گوید:

«حق تحصیل مؤلفه آموزش اجباری دوره ابتدایی را در بر دارد که به‌طور ضمنی می‌تواند در برابر اراده والدین یا قیم به اجرا گذاشته شود». سپس این‌طور ادامه می‌دهد که «کمیته حقوق کودک [کمیته سازمان ملل متحد که بر انطباق با *CRC* نظارت دارد] با عنایت به مسائل مربوط به نوجوانان تأکید دارد که کشورهای عضو باید دسترسی به اطلاع‌رسانی در زمینه مسائل جنسی و باروری» را برای نوجوانان فراهم کنند؛ از جمله تنظیم خانواده و پیش‌گیری از بارداری، خطرات حاملگی پیش از موعد، جلوگیری از *HIV/AIDS* و جلوگیری و درمان بیماری‌های مقاربتی (*STD*)^{۲۷}». او سپس می‌افزاید «در این زمینه، کمیته اصرار دارد که نوجوانان باید به اطلاعات مناسب، فارغ از رضایت والدین یا قیم، دسترسی داشته باشند».

این در حالی‌ست که *CRC* هیچ اشاره‌ای به حق نوجوانان برای دسترسی به این اطلاعات را ندارد.

۳. هدف آموزش «فراگیر» ترویج *CSE* است

اهداف توسعه پایدار - «آموزش فراگیر»

هدف اصلی ۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه.

هدف فرعی ۴-الف) ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی متناسب با کودکان، معلولان و جنسیت‌ها و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به دور از خشونت و امن برای همه.

۲۴- نظر عمومی شماره ۴ کمیته حقوق کودکان سازمان ملل متحد، پیرامون «توسعه و بهداشت نوجوان در پس‌زمینه کنوانسیون حقوق کودک»

۲۵- رفع همه‌اشکال تعصب مذهبی (A/۷۰/۲۸۶)

۲۶- *CRC*، ماده ۲۸، بند ۱ (الف)

به سادگی می‌توان مشاهده کرد که هدف اصلی شماره ۴ خواستار «آموزش فراگیر» برای همه است و هدف فرعی ۴-الف که خواستار فضاهای یادگیری «فراگیر» در مدارس است، می‌تواند به‌عنوان تعهدی برای آموزش فراگیر *LGBT* ها، که یکی از اجزای کلیدی آموزش جامع جنسیتی است، تفسیر شود.

در حقیقت اندکی پس از آن که دستور کار ۲۰۳۰ توسط سران کشورها در سازمان ملل متحد در نیویورک به تصویب رسید، ایالت کالیفرنیا لایحه‌ای تصویب کرد که آموزش جنسی فراگیر *LGBTQ* را الزامی ساخت. با توجه به کمپین حقوق بشر، قانون جدید ملزم می‌کند که مدارس دولتی «اطلاع‌رسانی جامعی را پیرامون گرایش جنسی، هویت جنسیتی و پیش‌گیری از *HIV*» برای دانش‌آموزان پایه‌های هفتم تا دوازدهم فراهم آورند.

با توجه به این قانون جدید تام تارکسون، سرپرست ایالتی کالیفرنیا در امور مربوط به آموزش دولتی، گفته است «با توجه به این که مردم از گرایش‌های مختلف جنسی و آموزش هویت جنسیتی به شاگردان شناخت مثبتی دارند، جوانان *LGBTQ* امنیت بیشتری در مدارس خواهند داشت».

مثال دیگری از این که اصطلاح «فراگیر» چگونه در برنامه آموزش جنسیتی در ایالات متحده به کار می‌رود، راهنمای دوره آموزشی پروژه *Birds & Bees* در ایالت مینه‌سوتا، با عنوان راهنمای مربیان برای بهداشت باوری، است که اظهار می‌دارد:

«مهم است که عبارت فراگیر را هنگام بحث پیرامون پرهیز در روابط جنسی به کار ببرید. بسیاری از برنامه‌ها پیرامون بحث پرهیز در روابط جنسی ... آن را محدود به آلت تناسلی مرد و زن می‌کنند. این تعاریف جوانان *LGBTQ* را از شمول آن خارج می‌کند و کلیشه‌های قبلی پیرامون گرایش جنسی و جنسیتی را تقویت می‌کند. ما قویاً ادبیات و اصطلاحاتی را توصیه می‌کنیم که شامل همه جوانان، فارغ از گرایش جنسی آن‌ها، شود ... تعریف رابطه جنسی به شکلی دهانی، مقعدی و مهبل، به جای آن که فقط مهبل تعریف شود ... به تشکیل یک فضای کلاس درسی فراگیر و همراه با احترام کمک می‌کند»^{۲۷}.

با به خاطر سپردن این که هدف اصلی شماره ۴ در مجموعه اهداف *SDG* خواستار «آموزش فراگیر» است، به سادگی می‌توان مشاهده کرد که هدف فرعی ۴-۷ در *SDG* چگونه خواستار آموزش «حقوق بشر»، «هویت جنسیتی» و «تنوع فرهنگی» است. هم‌چنین می‌توان مشاهده کرد که مطالبه هدف فرعی ۴-الف برای تجهیزات آموزشی «متناسب با جنسیت» و «فراگیر»، می‌تواند به‌عنوان مطالبه‌ای برای *CSE*، به کار رود. خصوصاً از زمانی که بسیاری از برنامه‌های *CSE* مدعی تمرکز بر این مفاهیم هستند.

۴. دفاتر سازمان ملل متحد شاخص‌ها را برای ترویج *CSE* استفاده می‌کنند.

در یک گزارش داخلی بین دفاتر سازمان ملل متحد با عنوان «نقش سازمان ملل متحد در مبارزه با تبعیض و خشونت علیه افراد بر مبنای گرایش جنسی و هویت جنسیتی»، به نقل از *UNFPA* گفته شده است که «*UNFPA* اجرای دستورالعمل‌های یونسکو در مورد آموزش جامع جنسیتی را ترویج می‌کند».

این امری هشداردهنده است. زیرا دستورالعمل‌های آموزش جنسیتی یونسکو شامل موضوعات بحث برانگیزی می‌شود که در خلال سایر موضوعات می‌گوید:

- «احترام به حقوق بشر ما را ملزم می‌کند که افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف را بپذیریم.» (جلد ۲، صفحه ۱۷)
- «بسیاری از دختران و پسران در خلال بلوغ یا گاهی اوقات زودتر از آن شروع استمناء می‌کنند.» (جلد ۲، صفحه ۲۶)

- «استمناء باعث صدمات روحی و جسمی نمی‌شود.» (جلد ۲، صفحه ۲۶)

همچنین راهنماهای آموزش جنسیتی یونسکو خوانندگان را به «پروژه لذت جنسی»^{۲۸} ارجاع می‌دهند؛ از جمله «نگاشت جهانی لذت جنسی: یک فهرست راهنما از سازمان‌ها، اقدامات، رسانه‌ها و افرادی که روابط جنسی را شهبانی می‌کنند»^{۲۹}. این وب‌سایت فعالانی را که «موانع موجود بر سر راه رابطه جنسی، تمایلات جنسی و لذت را از بین می‌برند» مشخص می‌کند، و به توصیف یک فعالیت گروهی برای فراگیری واژه‌هایی برای توصیف «اعمال جنسی، اعضای جنسی بدن و لذت جنسی» می‌پردازد.

با در نظر گرفتن همه این موارد، طرح شاخص‌های متعددی توسط دفاتر سازمان ملل متحد برای تعیین تعداد کودکانی که تحت لوای اهداف آموزشی هدف اصلی شماره ۴ در *SDG*، آموزش‌های جنسی دیده‌اند، هشدار دهنده به نظر می‌رسد؛ حتی اگر *SDG* در کل چیزی در مورد رابطه جنسی، تمایلات جنسی یا آموزش جنسی نگفته باشد. به احتمال زیاد در مرحله بعد دفاتر سازمان ملل متحد داده‌هایی را که جمع کرده‌اند تا مدعی شوند که تعدادی ناکافی از کودکان تحت آموزش جامع جنسیتی قرار گرفته‌اند، به کار خواهند برد تا دولت‌ها را جهت فراهم کردن *CSE* برای تعداد بیشتری از کودکان تحت فشار قرار دهند. یعنی یک کاملاً نقشه هوشمندانه!

پر واضح است که *UNFPA* هدف ۵-۶ از *SDG* را پیرامون «حقوق باروری و بهداشت باروری و جنسی» به معنای در بر گرفتن *CSE* تفسیر به رأی کند. چون گزارش آن‌ها در سال ۲۰۱۴، با عنوان «*ICPD* و حقوق بشر: ۲۰ سال ترویج حقوق باروری» این مسئله را آشکار می‌سازد که آن‌ها بنا دارند تا:

- «موانع آموزش جنسیتی نظیر رضایت والدین» را حذف کنند. [این یک نقل قول واقعی از گزارش آن‌هاست].
- «موانع دسترسی به خدمات سقط جنین ایمن، نظیر نیاز به مجوز شخص ثالث [بخوانید رضایت والدین برای سقط جنین] را حذف کنند.
- موانع [بخوانید رضایت والدین برای جوانان] در دسترسی به خدمات جامع جنسیتی و بهداشت باروری» را حذف کنند.
- و «قوانین منکر ظرفیت تصمیم‌گیری نوجوانان یا نیاز آنان به کسب رضایت والدین» را از میان بردارند.

این تجاوز نسبت به حقوق والدین و بهداشت و معصومیت کودکان بی سابقه است. معاهدات گوناگون سازمان ملل و اسناد اجماع خواستار احترام به حقوق، مسئولیت‌پذیری و وظایف والدین هستند^{۳۰}. برای مثال اعلامیه جهانی حقوق بشر این مسئله را به رسمیت می‌شناسد که «والدین نسبت به نوع آموزشی که باید به کودکانشان داده شود حق برتری دارند»^{۳۱} و معاهده بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی خواستار «احترام به آزادی والدین ... به منظور تضمین آموزش اخلاقی و مذهبی به فرزندانشان در راستای عقایدشان» است^{۳۲}. بنابراین هر هدف یا شاخصی که خدمات بهداشت باروری و جنسی یا آموزش جنسیتی به کودکان را، بدون آگاهی و رضایت والدینشان، ترویج می‌کند در تقابل با حقوق جهانی والدین برای هدایت تحصیلی فرزندانشان خواهد بود.

۲۸- *The Pleasure Project*

۲۹- قابل دسترسی در

http://www.thepleasureproject.org/content/File/Global/۲۰Mapping/۲۰of/۲۰Pleasure_۲nd%۲۰Ed_Nov_۰۹.pdf

۳۰- مواد ۵ و ۲-۱۴ از *CRC* (۱۹۹۰)؛ ۴۵،۷ از *ICPD* (۱۹۹۴)؛ ۷۳-و از *ICPD+۵* (۱۹۹۹)؛ مواد ۳-۱۳ و ۴-۱۸ از *ICESCR* (۱۹۷۶).

۳۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳-۲۶

۳۲- ماده ۴-۱۸ از *ICCPR* (۱۹۷۶)

OHCHR به ترویج CSE می‌پردازد

یک مقاله منتشر شده توسط نمایندگی کمیساریای عالی حقوق بشر در حوزه مربوط به مسائل جنسی و بهداشت باروری نوجوانان، اعلام می‌کند که «نیاز به رضایت شخص ثالث برای دسترسی به خدمات معین در مخالفت با حقوق بشر قرار دارد»^{۳۳}. «شخص ثالث» چه کسانی هستند؟ «رضایت» چه شخصی نباید برای «خدمات خاص» لحاظ شود؟ و این «خدمات خاص» چه هستند که ممکن است نیازمند رضایت شوند؟

سند OHCHR هم‌چنین مدعی است که «کشورهای عضو باید تضمین بدهند که به دلیل مخالفت ارائه دهندگان خدمات سلامت، نباید نوجوانان از اطلاع‌رسانی، کالاها و خدمات حوزه مسائل جنسی و بهداشت باروری، نظیر و سایل پیش‌گیری از بارداری و تنظیم خانواده محروم شوند». با این حال این مدعا ایده روشنی از این‌که چه نوعی از اطلاع‌رسانی در حوزه مسائل جنسی و باروری باید فراهم شود، ارائه نمی‌کند و این می‌تواند تقریباً شامل همه چیز شود. این مسئله عمده است. یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل نگرانی‌ها این حقیقت است که سند مذکور می‌گوید «نیاز به رضایت شخص ثالث [بخوانید والدین] برای دسترسی به خدمات معین در تقابل با حقوق بشر است».

این بیانه‌ها با هدف از میان بردن رضایت والدین برای خدمات بحث برانگیز نظیر سقط جنین، آموزش جنسیتی و مشاوره جنسی تنظیم شده‌اند.

شاخص‌های پیشنهادی UNFPA باعث ترویج CSE می‌شود

شاخص‌های آموزشی SDG که در ذیل آمده‌اند، توسط UNFPA و یونسکو پیشنهاد شده‌اند^{۳۴}:

- UNFPA شاخص ۱-۷-۴ را برای تعیین میزان «درصد مدرسی که مهارت‌های زندگی مبتنی بر HIV و آموزش جنسیتی را ارائه می‌دهند» پیشنهاد کرده است. این مسئله نشان می‌دهد UNFPA برنامه دارد تا آموزش «حقوق بشر»، «هویت جنسیتی» و «تنوع فرهنگی» در هدف فرعی ۱-۷-۴ از مجموعه اهداف SDG را به معنای «آموزش جنسیتی» تفسیر کند. جهت تأکید دوباره باید دانست اغلب اقدامات CSE این ادعا را مطرح می‌کند که آن‌ها همه این موضوعات را پیگیری می‌کنند. به احتمال زیاد دلیل قرارگیری اصطلاحات مذکور به شکلی استراتژیک در هدف فرعی ۱-۷-۴ از مجموعه اهداف SDG، در درجه اول همین است. UNFPA به صورت نگران‌کننده‌ای بیان می‌کند که شاخص آموزش جنسیتی ۱-۷-۴ که توسط آن‌ها پیشنهاد شده است، در حال حاضر در «مرحله آزمایشی با زیرساخت در محل» است.
- هدف فرعی ۱-۷-۴ «الف بنا دارد تا به «ایجاد و به‌روزرسانی امکانات آموزشی متناسب با کودکان، معلولان و جنسیت‌ها^{۳۵} و تأمین فضاهای یادگیری مؤثر، فراگیر، به دور از خشونت و امن برای همه» پردازد. شاخص تهیه شده توسط UNFPA برای تعیین

۳۳- نگاه کنید به

http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/SexualHealth/INFO_Adolescents_WEB.pdf

۳۴- سایر شاخص‌های آشکار تحت هدف فرعی ۱-۷-۴ که توسط دفاتر سازمان ملل متحد ارائه شده است را می‌توان در وبسایت سازمان ملل یافت:

<http://unstats.un.org/sdgs/۲۰۱۵/۰۶/۱۶/detailed-inputs/>

۳۵- امکانات «متناسب با جنسیت» احتمالاً به‌صورتی تفسیر می‌شود که به معنای سرویس‌های بهداشتی ویژه یا فارغ از جنسیت برای تراجنسی‌هایی باشد که جنسیت خود را متفاوت از جنسیت زمان تولدشان شناخته‌اند. این رایج‌ترین روش برای اشاره به چنین نوعی از سرویس‌های بهداشتی است.

میزان پیشرفت این هدف، «در صد دانش‌آموزانی را که قلدری، تنبیه بدنی، اذیت، خشونت، تبعیض و آزار جنسی را تجربه کرده‌اند» خواهد سنجید. اغلب اقدامات *CSE* تبعیض جنسی را نشانه رفته‌اند.

- همچنین *UNFPA* شاخص دیگری را برای سنجش میزان انطباق با هدف فرعی ۷-۴ تهیه کرده است، که این کار را از طریق تعیین تعداد «کشورهای اجرا کننده چارچوب اقدام جهانی برای آموزش حقوق بشر» انجام می‌دهد. یکی از نگرانی‌ها این است که اصل ۹ برنامه آموزشی «حقوق بشر» در *OHCHR* بیان می‌کند که «فعالیت‌های آموزشی در درون برنامه اقدام جهانی» باید «باعث پرورش احترام و درک از وجود تنوع، و مخالفت با تبعیض بر مبنای جنس، جنسیت، ... یا گرایش جنسی» شود.

همچنین *UNFPA* گفته است که شاخص‌های ارائه شده توسط آن‌ها در مورد آموزش حقوق بشر با شاخص شماره ۲۹ چارچوب اقدام برای دستور کار آموزش پسا-۲۰۱۵، سازگار است. این دفتر یک ارزیابی انجام شده توسط برنامه بین‌المللی مطالعه آموزش مدنی و شهروندی (*ICCS*)^{۳۶} را مورد اشاره قرار می‌دهد که شامل پرسش‌های بحث برانگیز زیر است:

- «در مدرسه شما این موضوعات زیر چقدر مورد بحث قرار گرفته است؟»
«حضور همگانی افراد با امیال و گرایش‌های جنسی متفاوت در اجتماع»
«تبعیض علیه افراد با گرایش‌های جنسی متفاوت»
- شما چقدر از داشتن همسایه‌هایی که به یکی از دو گروه مردان هم‌جنس‌باز یا زنان هم‌جنس‌باز تعلق دارند، خوشحال یا بی‌زار هستید؟

نظر سنجی *ICCS* همچنین از دانش‌آموزان پرسیده است که آن‌ها چقدر با سؤالات زیر «به شدت موافق، موافق، مخالف، به شدت مخالف» هستند:

- «افراد هم‌جنس حق ازدواج دارند»
- «اخلاق از هم‌جنس‌گرایی رنج می‌برد»
- «افراد از جنسیت‌های مختلف دارای حقوق مشابهی هستند»
- «افراد از جنسیت‌های مختلف در مدارس مورد پذیرش نیستند»
- «هم‌جنس‌گرایی نوعی از یک بیماری روانی است»

این نوع نظرسنجی‌ها شالوده‌ای را بنا خواهد کرد که خواستار اقدامات متناسب با *LGBT* (نظیر اقدامات *CSE*) می‌شود، که گاهی اوقات نیز زیر پرچم اقدامات مربوط به تنوع جنسی و ضد قلدری در مدارس قرار می‌گیرد. فشار زیادی برای این دسته از برنامه‌ها و اقدامات در بسیاری از نظام‌های آموزشی در غرب وجود دارد. بنابراین، شاخص‌های تهیه شده توسط دفاتر سازمان ملل درباره هدف فرعی ۷-۴ از مجموعه اهداف *SDG*، همراه با نظرسنجی‌ها و پرسش‌ها از کودکان در مورد ارزش‌ها و نگرش‌ها یا نوع نگاه آن‌ها به موضوعات بحث برانگیز پیرامون تمایلات جنسی انسان، در تناقض با منشور ملل متحد است که به‌طور شفاف اظهار می‌دارد سازمان ملل متحد حق ندارد در مسائل داخلی کشورها دخالت کند. چنین نظرسنجی‌هایی در تداخل با حقوق به‌خوبی تثبیت شده والدین در

امر هدایت تحصیلی فرزندان نشان است و نیز در تداخل با مسائلی است که باید بر عهده خانواده‌ها و کشورها باشد. این مسائل شامل موضوعات بحث برانگیزی است که در صلاحیت یا مأموریت سازمان ملل متحد نیست.

ج) «بهداشت باروری» و «حقوق باروری» ترویج سقط جنین را نشانه گرفته‌اند.

اهداف توسعه پایدار - «بهداشت باروری و حقوق باروری»

هدف فرعی ۷-۳) تضمین دسترسی جهانی به خدمات بهداشتی و درمانی در حوزه مسائل جنسی و باروری، از جمله: در راستای تنظیم خانواده، آموزش و اطلاع‌رسانی و ادغام بهداشت باروری در برنامه‌ها و راهبردهای ملی تا سال ۲۰۳۰.

هدف فرعی ۶-۵) ضمانت دسترسی جهانی به بهداشت باروری و جنسی و دسترسی به حقوق باروری در راستای توافق‌های انجام شده در جریان کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه [ICPD] و اعلامیه و برنامه اقدام پکن، و بر مبنای اسناد نهایی به دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزار شده در این ارتباط.

اصطلاحات «بهداشت باروری و جنسی (SRH)» و «حقوق باروری (RR)» اغلب طوری تفسیر می‌شوند که سقط جنین را شامل شوند. برای مثال اظهارات هیلاری کلینتون مبنی بر این که ایالات متحده «بهداشت باروری» را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که شامل سقط جنین شود، در کنگره ایالات متحده ثبت شده است.

مرکز حقوق باروری، یکی از فعال‌ترین سمن‌ها در حوزه حقوق سقط جنین، «حقوق باروری» را طوری تفسیر می‌کند که سقط جنین را نیز شامل شود و از این تفسیر خود در دادگاه‌ها و دستگاه‌های قانون‌گذاری در سرتاسر جهان دفاع می‌کند. همان‌طور که پیش از این بدان اشاره شده، «حقوق باروری» پرچمی است که تحت لوای آن زوج‌های هم‌جنس مدعی ترتیبات قانونی مربوط به رحم جایگزین، یا به فرزندخواندگی پذیرفتن کودکان هستند.

UN Women شاخص‌های پیشنهاد داده است که موارد زیر را خواهد سنجید:

- «نسبت (درصد) کشورهای دارای قوانین و مقرراتی که متضمن دسترسی همه زنان و نوجوانان به خدمات بهداشت باروری و جنسی [بخوانید: سقط جنین پیش‌گیری از بارداری] هستند».
- «نسبت (درصد) کشورهای دارای قوانین و مقرراتی که متضمن دسترسی همه زنان و نوجوانان به آموزش، اطلاع‌رسانی و خدمات بهداشت باروری و جنسی [بخوانید: سقط جنین و CSE] هستند».

هم‌چنین UN Women پیشنهاد داده است که چارچوب حقوقی و قانونی که با این شاخص‌ها پوشش داده می‌شود شامل «قوانین و مقرراتی شود که به صراحت متضمن:

- «دسترسی به خدمات بهداشت باروری و جنسی بدون نیاز به مجوز شخص ثالث (از همسر، قیم، والدین یا دیگران) باشد».

[نظر: در حقیقت این شاخص «همسر، قیم، والدین یا دیگران» را به عنوان افرادی فهرست می‌کند که نباید در زمانی که دولت زمینه دسترسی به خدمات بهداشت باروری و جنسی را فراهم می‌کند، مورد مشورت قرار گیرند. با علم به این نکته که

خدمات بهداشت باروری و جنسی شامل پیش‌گیری از بارداری، مشاوره جنسی و سقط جنین می‌شود و نیز این‌که شاخص مذکور کودکان را مستثنی نمی‌کند، اگر اجرایی گردد به وضوح حقوق والدین را نقض خواهد کرد.

- «دسترسی به خدمات بهداشت باروری و جنسی بدون هیچ‌گونه محدودیتی در سن و وضعیت تأهل باشد [بخوانید: سقط جنین و پیش‌گیری از بارداری برای افراد زیر سن قانونی].»
- «دسترسی نوجوانان به آموزش و اطلاع‌رسانی بهداشت باروری و جنسی باشد [بخوانید: آموزش جامع جنسیتی].»

از دیگر موضوعات آشکار شاخص ۱-۶-۵ از اهداف فرعی *SDG* است که ارائه شده است و «درصد زنان و دخترانی را که در مورد خودشان در مورد بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری تصمیم می‌گیرند، بر حسب سن، محل، درآمد، معلولیت و سایر ویژگی‌های مرتبط با هر کشور» می‌سنجد. این شاخص به منظور ترویج حقوق «دختران» برای دسترسی به وسایل پیش‌گیری از بارداری و سقط جنین بدون رضایت والدین، در نظر گرفته شده است.

همچنین *UNFPA* شاخصی را برای سنجش «درصد زنانی (۱۵ تا ۴۹ سال) که خودشان در مورد بهداشت باروری و جنسی تصمیم می‌گیرند» ارائه کرده است.

اولین موضوعی که در این شاخص به‌طور ضمنی بدان اشاره شده این است که کودکان در سن ۱۵ سالگی باید آزادی جنسی و حق سقط جنین داشته باشند، یا باید «خودشان» در مورد مسائل «جنسی» و «بهداشت باروری»، بدون رضایت والدین، «تصمیم بگیرند». از طرف دیگر برای سنجش شاخص مذکور، *UNFPA* پیشنهاد داده است که از دختران ۱۵ ساله پرسیده شود که آیا آن‌ها مجاز هستند که خودشان «در مورد استفاده یا عدم استفاده از وسایل پیش‌گیری از بارداری تصمیم بگیرند» یا مجاز هستند که خودشان در مورد «دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و جنسی» [بخوانید: سقط جنین] تصمیم بگیرند.

بر اساس همین دلایل، تعدادی از کشورهای عضو سازمان ملل درباره «بهداشت باروری و جنسی» و «حقوق باروری» اعلام حق تحفظ کرده‌اند. اما فقط نسبت به این‌که اصطلاحات مذکور شامل حق سقط جنین نشود. ولی همان‌گونه که شواهد نشان داده‌اند، این اصطلاحات به‌گونه‌ای معنا می‌شوند که موضوعات خیلی بیشتری از سقط جنین را در بر می‌گیرند.

۳- حق حاکمیت ملی و قوانین ملی

اهداف توسعه پایدار - «حق حاکمیت ملی و قوانین ملی»

هدف فرعی ۱۵-۱۷) احترام به حاکمیت و فضای سیاسی کشورها، به منظور وضع و اجرای سیاست‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به توسعه پایدار.

مقررات متعددی قوانین ملی را مورد تصدیق قرار می‌دهند.

به‌عنوان یک نکته مثبت، علاوه بر هدف فرعی ۱۵-۱۷ در *SDG* که خواستار احترام به «حاکمیت و فضای سیاسی کشورها، به منظور وضع و اجرای سیاست‌هایی برای ریشه‌کنی فقر و دستیابی به توسعه پایدار» است، دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد اشاره‌های متعددی در حمایت از سیاست‌ها و اولویت‌های ملی دارد که در ادامه ذکر شده‌اند:

- پاراگراف ۳۸ تأکید مجددی بر «لزوم احترام به تمامیت عرضی و استقلال سیاسی کشورهای عضو» دارد.
- پاراگراف ۴۱ این را به رسمیت می‌شناسد «که هر کشوری بدو در قبال توسعه اجتماعی و اقتصادی خود مسئولیت دارد».
- پاراگراف ۴۶ بر «اهمیت مالکیت و حاکمیت ملی در سطح کشوری» تأکید دارد.
- پاراگراف ۴۷ این نکته را مشخص می‌سازد که دولت‌ها مسئولیت اصلی «پیگیری و بررسی پی شرف حاصل از اجرای دستورکار حاضر را در ۱۵ سال آینده» بر عهده دارند و «اهمیت حاکمیت و مالکیت ملی» را مورد تأکید قرار می‌دهد.
- پاراگراف ۵۵ این نکته را مشخص می‌سازد که «اهداف فرعی تعیین شده، آرمانی و جهانی هستند. هر دولتی اهداف ملی خود را با نگاهی به میزان اهمیت آن اهداف در سطح جهان، و در عین حال بر حسب شرایط حاکم بر فضای ملی خود تنظیم می‌کند. به علاوه، تصمیم در مورد چگونگی ادغام این اهداف آرمانی و جهانی در فرایندهای برنامه‌ریزی ملی بر عهده خود دولت‌هاست».
- پاراگراف ۷۴-الف «طبیعت داوطلبانه پیگیری و بررسی فرایندها» را که «بر عهده کشورهاست» مورد تصدیق قرار می‌دهد، به «فضای سیاسی و اولویت‌های هر کشور» احترام می‌گذارد و این نکته را که «مالکیت ملی کلیدی برای دستیابی به توسعه پایدار است» به رسمیت می‌شناسد.

اشاره‌های دل‌گرم‌کننده متعددی وجود دارند که باید توسط کشورهای عضو برای صیانت از شهروندانشان در برابر تفاسیر و کاربردهای اهداف اصلی، اهداف فرعی و شاخص‌های *SDG* بر ضد خانواده، مورد استفاده قرار گیرند^{۳۷}. با این وجود می‌دانیم که بازی‌گران قدرت مند با دستور کارهایی قوی، صیانت از حاکمیت کشورها را در سایر اسناد سازمان ملل متحد نادیده انگاشته‌اند و ادعا می‌کنند موضوعات بحث برانگیزی که آن‌ها تحت لوای «حقوق بشر بین‌الملل» به ترویجشان می‌پردازند، بر سایر حقوق پیشی خواهد جست. علاوه بر این می‌دانیم بعضی از شاخص‌هایی که توسط تعدادی از دفاتر سازمان ملل و برخی کشورها تهیه شده است، خیال دارد که

۳۷- دستور کار ۲۰۳۰، پاراگراف ۳ (سطوح مختلف توسعه و ظرفیت‌های موجود)؛ پاراگراف ۵ (احترام به سیاست‌ها و اولویت‌های ملی)؛ پاراگراف ۲۱ (واقعیت‌های ملی گوناگون)؛ پاراگراف ۵۵ (واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و اولویت‌های ملی)؛ پاراگراف ۵۹ (شرایط و اولویت‌های ملی)؛ هدف فرعی ۴-۵ (و در محیط خانواده تا حدی که مقررات ملی اجازه دهند)؛ هدف فرعی ۵-الف (در راستای قوانین ملی)، هدف فرعی ۱-۸ (در راستای شرایط ملی)؛ هدف فرعی ۲-۹ (در راستای شرایط ملی)؛ هدف فرعی ۱۰-ب (طرح‌ها و اقدامات ملی)؛ هدف فرعی ۷-۱۲ (اولویت‌ها و سیاست‌های ملی)؛ هدف فرعی ۱۲-ج (شرایط ملی)؛ هدف فرعی ۱۰-۱۶ (در راستای قوانین ملی)؛ هدف فرعی ۱۸-۱۷ (مختص شرایط ملی)؛ پاراگراف ۷۴-الف (احترام به فضای سیاسی و اولویت‌ها)؛ پاراگراف ۷۴-و (نیازها و اولویت‌های ملی)؛ پاراگراف ۷۹ (شرایط، سیاست‌ها و اولویت‌ها)

ارزش‌های فرهنگی و مذهبی و نیز حقوق والدینی کشورها و افراد را از طریق نظرسنجی‌های سرزده و سنجش پیشرفت برنامه‌ها نادیده بگیرد، تا مسیر را برای موضوعات بحث برانگیز هموار کند.

۴- خانواده و دستور کار ۲۰۳۰

الف) نقش اساسی خانواده

در مورد فراگیری اصطلاح «نهاد خانواده» (*the family*) در دستور کار ۲۰۳۰ خبرهای خوب و بدی وجود دارد. از جنبه منفی موضوع این را باید گفت که اشاره‌های مستقیم به حفاظت از «نهاد خانواده» یا نقش تعیین کننده خانواده در اجرای اهداف *SDG* در خلال مذاکرات *SDG* رد شد.

اتفاق مذکور علی‌رغم این واقعیت موجود است که یکی از قطع‌نامه‌های شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵، (۱) نگرانی پیرامون این موضوع را «که مشارکت خانواده در جامعه و در دستیابی به اهداف توسعه هم‌چنان نادیده و بی‌اهمیت انگاشته می‌شود» تشریح می‌کند و (۲) کشورهای عضو را به «حساب کردن روی نقش خانواده، به‌عنوان یکی از یاری‌کنندگان توسعه پایدار» فرا می‌خواند و «نیاز به تقویت توسعه سیاست‌های مربوط به خانواده را، در راستای تلاش‌های پیش‌رویشان جهت دستیابی به اهداف توسعه مورد توافق بین‌المللی، اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد و اهداف توسعه آینده سازمان ملل متحد» متذکر می‌شود.^{۳۸}

قطع‌نامه مذکور هم‌چنین «از کشورهای عضو دعوت می‌کند که جریان اصلی ترویج سیاست‌های خانواده‌گرا را به‌عنوان موضوعی در عرض اهداف اصلی و فرعی مطرح شده در دستور کار پسا-۲۰۱۵ مورد توجه قرار دهند»، و این مسئله را به‌رسمیت بشناسند «که خانواده می‌تواند در ریشه‌کنی فقر و گرسنگی، دستیابی به آموزش جهانی در سطح ابتدایی، ترویج تساوی جنسیتی و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ و میر نوزدان، بهبود سلامت مادر، مبارزه با *HIV/AIDS*، مالاریا و سایر امراض مشارکت داشته باشد».^{۳۹}

با این حال چرا صیانت از خانواده و به رسمیت شناختن نقش اساسی خانواده در توسعه، علی‌رغم حمایت قوی از فراگیر شدن آن توسط تعدادی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد، از دستور کار ۲۰۳۰ کنار گذاشته شده است؟

این مسئله عمدتاً به دلیل اصرار کشورهای حامی *LGBT* در خلال مذاکرات صورت پذیرفته است. آن‌ها اصرار داشتند که عبارت «نهاد خانواده» یا باید عوض شود و یا به لحاظ ادبی به‌گونه‌ای اصلاح شود که «شکل‌های مختلف خانواده» را به رسمیت بشناسد، تا خانواده‌های *LGBT* نیز رسمیت یابند. این مسئله یکی از بزرگ‌ترین نقاط مشاجره‌آمیز در مباحثات *SDG* بود، و در نهایت، تنها اشاره مستقیم موجود به واژه «نهاد خانواده»، که دارای نقش مهمی در توسعه پایدار است، از اسناد نهایی *SDG* حذف شد.

ب) «خانواده» (*Family*)، «خانواده‌ها» (*Families*) و «نهاد خانواده» (*The Family*)

ادبیات کم‌تر بحث برانگیز مرتبط با خانواده که در این دستور کار لحاظ شده است شامل یک اشاره مستقیم به «نهاد خانواده» (*the family*) در رابطه با مسئولیت‌های مشترک در خانه‌داری (هدف فرعی ۴-۵ در *SDG*) است. یک اشاره نیز به «کشاورزان خانوادگی» در ارتباط با افزایش بهره‌وری و درآمد مزرعه‌های خانوادگی (هدف فرعی ۳-۲ در *SDG*) شده است. در نهایت نیز یک اشاره به «خانواده‌ها» (*families*) در ارتباط با مشارکت در پرورش محیط آموزشی برای کودکان شده که بدین صورت بیان شده است: «ما کماکان تلاش می‌کنیم تا برای کودکان و جوانان محیطی پرورشی فراهم آوریم تا آن‌ها به درک کاملی از حقوق و ظرفیت‌هایشان برسند، و از طریق ایجاد مدارس امن و جوامع منسجم و خانواده‌ها به کشورهایمان کمک می‌کنیم تا سود حاصل از جمعیت را از آن خود کنند».

با این حال توجه داشته باشید که عبارت «خانواده‌ها» (*families*) در انتها و پس از عبارت‌های «مدارس امن» و «جوامع منسجم» ذکر شده است.

۳۸- درخواست مشابهی در سال ۲۰۱۴ در قطع‌نامه PP۹ C-SOCD E/CN.۵/۲۰۱۴/L.۵ نیز صادر شد.

۳۹- این ادبیات دقیق در قطع‌نامه PP۹ C-SOCD E/CN.۵/۲۰۱۴/L.۵ نیز لحاظ شده بود.

ج) نهاد خانواده به طور غیرمستقیم مورد تصدیق است

به عنوان دیگر نکته مثبت، این دستور کار تأکید مجددی بر اسناد متعددی از سازمان ملل متحد دارد که نهاد خانواده را قویاً مورد تصدیق قرار می‌دهند. برای مثال پاراگراف ۱۰ بیان می‌دارد که دستور کار ۲۰۳۰ «در اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)» و معاهدات بین‌المللی حقوق بشر ریشه دارد. ماده ۳-۱۶ از اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اظهار می‌دارد که «نهاد خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و حکومت نگهداری شود». از آنجایی که پاراگراف ۱۰ «معاهدات بین‌المللی حقوق بشر» را تصدیق می‌کند، مهم است بدانیم که این معاهدات قویاً نهاد خانواده را تأیید می‌کنند. در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

- **معاهده بین‌المللی حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، ماده ۱-۱۰:** «گسترده‌ترین شکل ممکن از صیانت و رسیدگی باید به نهاد خانواده اختصاص یابد، زیرا یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است».
- **معاهده بین‌المللی حقوق سیاسی و شهروندی، ماده ۱-۲۳:** «نهاد خانواده یک واحد گروهی طبیعی و زیربنایی برای جامعه است و سزاوار است تا به وسیله جامعه و حکومت نگهداری شود».
- **کنوانسیون حقوق کودک، مقدمه (پاراگراف ۶):** «با اعتقاد به این که نهاد خانواده به عنوان جزء اصلی جامعه و محیط طبیعی برای رشد و رفاه تمام اعضای خود خصوصاً کودکان می‌باشد، می‌بایستی از حمایت‌ها و مساعدت‌های لازمه به نحوی برخوردار شود که بتواند مسئولیت‌های خود را در جامعه ایفا کند».

هم‌چنین پاراگراف ۱۱ دستور کار ۲۰۳۰ بار دیگر نتایج همه کنفرانس‌ها و نشست‌های مهم سران سازمان ملل متحد را، از جمله اجلاس جهانی توسعه اجتماعی، برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه و کارپایه عمل پکن، تأیید می‌کند. این اسناد نیز نهاد خانواده را به شکلی که در ادامه آمده است تصدیق می‌کنند:

- **اجلاس جهانی توسعه اجتماعی، پاراگراف ۸۰:** «نهاد خانواده واحد ابتدایی جامعه است و به همین دلیل باید تقویت شود. لذا شایسته است که حمایت و حفاظت جامعی از آن به عمل بیاید».
- **برنامه عمل کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، اصل ۹:** «نهاد خانواده واحد ابتدایی جامعه است و به همین دلیل باید تقویت شود. لذا شایسته است که حمایت و حفاظت جامعی از آن به عمل بیاید».
- **کارپایه عمل پکن، پاراگراف ۲۹:** «نهاد خانواده واحد ابتدایی جامعه است و به همین دلیل باید تقویت شود. لذا شایسته است که حمایت و حفاظت جامعی از آن به عمل بیاید».

پاراگراف ۱۱ دستور کار ۲۰۳۰ در ادامه می‌گوید «ما اقداماتی را که برای پیگیری نشست‌های یاد شده صورت می‌پذیرد، تأیید می‌کنیم». اسناد پیگیری نتایج نشست‌های یاد شده عبارتند از:

- **اجلاس اجتماعی +۵، پاراگراف ۲۵:** «اعتقاد به این که نهاد خانواده واحد ابتدایی جامعه است، نقش کلیدی در توسعه اجتماعی بازی می‌کند و نیرویی قوی برای اتحاد و انسجام اجتماعی است، هم‌چنان به رسمیت شناخته می‌شود».
- **اجلاس پکن +۵، پاراگراف ۶۰:** «نهاد خانواده واحد ابتدایی جامعه است و نیرویی قوی برای اتحاد و انسجام اجتماعی است و به همین دلیل باید تقویت گردد».

اگرچه حتی یک اشاره مستقیم به صیانت از نهاد خانواده یا نقش حیاتی خانواده در توسعه، در متن دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد وجود ندارد، اما این بدان معنا نیست که کشورها باید نهاد خانواده را از برنامه‌های توسعه ملی کنار بگذارند. بلکه کشورها باید قویاً تشویق شوند تا حفاظت از نهاد خانواده را در مرکز تلاش‌های پسا-۲۰۱۵ برای توسعه قرار دهند. کشورها باید همه برنامه‌ها و خط‌مشی‌های توسعه را از منظر تأثیر بر نهاد خانواده ارزیابی کنند. ضمن این‌که باید به‌طور هم‌زمان خانواده‌ها را توانمند ساخت تا آن‌ها بتوانند بالقوه‌ای که به‌عنوان یک مشارکت‌کننده جدی در توسعه پایدار دارند، آشنا شوند.

فراخوانی برای اقدام

اگرچه در دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد اشاره‌های محکم و متعددی پیرامون احترام به سیاست‌ها، اولویت‌ها، شرایط، ظرفیت‌ها و قوانین ملی در مسیر اجرای اهداف توسعه پایدار وجود دارد، اما سند نهایی دستور کار ۲۰۳۰ مملو از اصطلاحات مبهمی است که می‌توانند برای ترویج حقوق جنسی بحث برانگیزی که نهاد خانواده را تضعیف می‌کنند، به کار رود. از سوی دیگر این سند نهاد خانواده را به‌عنوان یک واحد بنیادین اجتماع یا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مشارکت‌کنندگان در مسیر توسعه، به رسمیت نمی‌شناسد. به کلام دیگر، نهاد خانواده به‌کلی از دستور کارهای پسا-۲۰۱۵ سازمان ملل بیرون گذاشته خواهد شد، مگر این‌که اقدام عاجلی صورت پذیرد.

اقدامات زیر می‌تواند صورت پذیرد تا تضمین کند که کودکان و نهاد خانواده در مذاکرات آتی سازمان ملل متحد مورد حفاظت قرار خواهند گرفت:

۱. کشورهای عضو می‌توانند به ائتلاف‌های «دو ست‌دار خانواده» چه در ژنو و چه در نیویورک بپیوندند. بدین ترتیب این کشورها می‌توانند بیانیه‌های مشترکی را در قالب یک گروه صادر کنند تا موضع مشترک آن‌ها را پیرامون مباحث مربوط به خانواده تشریح نماید. این بیانیه‌ها می‌توانند پیش از، در نزدیکی و در خلال مذاکرات سازمان ملل متحد صادر شوند تا در مورد عدم پذیرش مفاهیم بحث برانگیز، شفاف‌سازی لازم صورت پذیرد.
 ۲. کشورهای همواره می‌توانند حق تحفظ‌های مشترک صادر کنند. (بخش ۵ از این گزارش را برای حق تحفظ‌های پیشنهادی مطالعه کنید.) برای تأثیرگذاری بیشتر بسیار مهم است که هر بار حق تحفظ‌های دقیقاً مشابهی صادر شود و این کار به‌طور مشترک با دیگر دولت‌های هم‌فکر صورت پذیرد. در نتیجه این‌طور به‌نظر می‌رسد که تعداد قابل توجهی از کشورها تفاسیر بحث برانگیز از اسناد نهایی مذاکره شده در گذشته، حال و آینده را نخواهند پذیرفت. کشورها می‌توانند به‌طور شفاف بگویند ادبیات بحث برانگیزی را که منجر به تضعیف خانواده، زندگی و یا بهداشت و معصومیت کودکان می‌شود، تحمل نخواهند کرد.
- لهستان مثال خوبی است برای این‌که نشان داد کشورهای عضو چگونه می‌توانند علیه استفاده از اصطلاحات جدید یا سوءتفسیر از اصطلاحات موجود در جهت ترویج حقوق جنسی کدایی، فشار وارد آورند. در بیانیه‌ای به تاریخ ۱۴ اکتبر ۲۰۱۳ در شصت و هشتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، لهستان به‌منظور «به‌منظور ثبت در آن نشست و نشست‌های آینده‌ای که در چارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته‌های آن، شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد و سایر نهادهای سازمان ملل برگزار می‌شود» اظهار داشت که «با هرگونه تفسیری از خدمات یا حقوق بهداشت باروری و جنسی در اسناد بین‌المللی که مشمول سقط جنین شود، مخالفت خواهد کرد»^{۴۰}.

بیانیه جهانی مشابهی با اشاره به همه اصطلاحات بحث برانگیزی از *SDG* که در این گزارش برجسته شده‌اند باید صادر شود. این بیانیه باید مدعی آن باشد که هیچ‌کدام از این اصطلاحات نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که باعث شمول، به رسمیت شناختن، ترویج یا پیش‌برد اهداف مربوط به حقوق *LGBT*، آموزش جامع جنسیتی یا سقط جنین گردد. چنین بیانیه‌ای می‌تواند ابزار قدرت‌مندی در مقابله با مسائل مربوط به حقوق جنسی شود. به‌خصوص اگر توسط تعداد قابل توجهی از کشورهای عضو سازمان ملل متحد امضا گردد.

۳. کشورها می‌توانند از مزایای روز جهانی خانواده بهره ببرند. کشورها می‌توانند پانزدهم می هر سال نشستی در سطح سران برگزار کنند تا نهاد خانواده در آن مورد تجلیل قرار گیرد و پیشنهادهایی در راستای سیاست‌های سودمند و مثبت در حمایت از خانواده به تصویب برسد.

۴. کشورها می‌توانند هر سال بیانیه‌های مشترکی را در مجمع عمومی سازمان ملل، به‌منظور تأکید دوباره بر قطع‌نامه ۲۰۱۵ شورای حقوق بشر پیرامون حفاظت از نهاد خانواده، صادر کنند. هم‌چنین کشورها باید ادبیات مترقی حمایت از خانواده را که در این قطع‌نامه وجود دارد در سایر اسناد نهایی سازمان ملل متحد تکرار کنند.

۵. کشورها می‌توانند کمیته‌های داوطلبانه بازبینی را به‌منظور تحلیل عمل‌کرد نهادهای گوناگون سازمان ملل متحد که به ترویج حقوق جنسی می‌پردازند، تشکیل دهند. این کمیته‌ها باید عمل‌کرد دفاتر سازمان ملل متحد، گزارش‌گران ویژه سازمان ملل متحد و کمیته‌های ناظر بر معاهدات را مورد تحقیق و بررسی قرار دهند.

۶. کشورها می‌توانند گزارش‌ها و بیانیه‌های مشترکی را در مورد آن دسته از دفاتر سازمان ملل که از حدود اختیارات خود فراتر رفته‌اند، صادر کنند. کشورها می‌توانند اقدام به سازماندهی یک مواجهه رسمی و هماهنگ علیه دفاتری کنند که خارج از حیطه اختیاراتشان در مسیر ترویج مسائل مربوط به حقوق جنسی گام برمی‌دارند. هم‌چنین این مخالفت می‌تواند در قالب ارائه یک بیانیه مشترک در مجمع عمومی سازمان ملل باشد تا این هشدار به نهادهای سازمان ملل متحد داده شود که کشورهای عضو با آن دسته از نهادهایی که به گام برداشتن در خارج از حیطه اختیاراتشان ادامه می‌دهند همکاری نخواهند کرد، و یا تأمین مالی آن‌ها را به عهده نخواهند گرفت. این گزارش‌ها می‌توانند از قبل پیشنهادهایی را نیز برای اصلاح، تعیین کنند. سمن‌ها با یاری رساندن در جمع‌آوری داده‌ها برای چنین گزارشی می‌توانند نقشی کلیدی ایفا کنند.

۷. کشورها باید تأمین مالی آن دسته از دفاتر سازمان ملل را که نهاد خانواده را تضعیف می‌کنند، متوقف سازند. کشورها باید از تأمین مالی آن دسته از نهادهای سازمان ملل که همواره در راستای تضعیف فرهنگ، ارزش‌ها و قوانین ملی شان اقدام می‌کنند، خارج شوند.

۸. کشورها می‌توانند نهاد خانواده را به شکل مثبتی تبدیل به جریان اصلی سازمان ملل متحد کنند و این کار را از طریق ارتباط دائمی نهاد خانواده با همه موضوعات مرتبط با توسعه در بیانیه‌های دولتی شان انجام دهند.

۹. کشورها می‌توانند به سازماندهی یا پشتیبانی از رویدادهای جنبی چشم‌گیری که نهاد خانواده را مورد حمایت قرار می‌دهند، پردازند. کشورها می‌توانند رویدادهایی را که از نهاد خانواده حمایت می‌کنند پشتیبانی نمایند. این قبیل رویدادها منافع خانواده‌های پدر/مادری را در خلق جوامع با ثبات و پایدار بررسی می‌کنند. یعنی همان چیزی که پیش از این نیز به‌وسیله علوم اجتماعی بیان شده است. نتیجه این کار ایجاد فرهنگی در سازمان ملل است که نگاه مثبتی به خانواده دارد.

۱۰. کشورها می‌توانند اعلامیه‌های ملی را در حمایت از نهاد خانواده در پایتخت‌هایشان صادر کنند. سران کشورهای عضوی که حامی خانواده هستند، با توجه به اهمیت خانواده به‌عنوان یک نهاد، می‌توانند اعلامیه‌های ملی صادر کنند و از مردم خود بخواهند که به تقویت خانواده‌های خود، به‌عنوان بهترین ابزار برای دستیابی به توسعه اجتماعی، پردازند.

مؤسسه دیده‌بان خانواده و انجمن حقوق خانواده سازمان ملل متحد از رهبران دولت‌ها می‌خواهد تا از حاکمیت ملی خود دفاع کنند و از همه ابزارهای سیاسی موجود بهره ببرند تا (۱) از خانواده‌ها، هنجارهای فرهنگی و ارزش‌های مذهبی حفاظت کنند، (۲) از آن‌ها در برابر فعالانی که سعی می‌کنند از دستور کار ۲۰۳۰ برای پیش‌برد مسائل پنهان و مضر بهره‌برداری کنند، حفاظت نمایند.

دولت‌ها با توانمندسازی خانواده‌ها به‌عنوان واحد ابتدایی جامعه باعث می‌شوند که آن‌ها به شکل معنی‌داری در موفقیت دستور کار ۲۰۳۰ در کشور مشارکت داشته باشند. در این صورت دولت‌ها مطمئن خواهند بود که در دستیابی به اهداف توسعه موفق‌تر عمل خواهند کرد.

بنابراین ما مجدداً از کشورها می‌خواهیم تا نهاد خانواده را در مرکز دستور کار توسعه داخلی خود قرار دهند و تأثیر اهداف اصلی، اهداف فرعی و شاخص‌های *SDG* را بر نهاد خانواده، پیش از اجرا، مورد ارزیابی قرار دهند.

ما مجدداً تأکید می‌کنیم که اهداف اصلی و فرعی مندرج در دستور کار ۲۰۳۰ ذاتاً داوطلبانه هستند و باید با کمال احترام به اولویت‌ها، سیاست‌ها و قوانین داخلی کشورهای عضو اجرا شوند.

۵- حق تحفظ‌هایی برای حفاظت از زندگی، خانواده و کودکان

۱. **حق تحفظ پیشنهادی برای صیانت از حاکمیت ملی و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی:** در اجرای اهداف اصلی و فرعی و مقاصد دستور کار توسعه پسا-۲۰۱۵، مندرج در سند «دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»، مجدداً بر حق حاکمیت کشورمان مطابق با قوانین داخلی و اولویت‌های توسعه، با احترام کامل به مذاهب گوناگون و ارزش‌های اخلاقی و زمینه‌های فرهنگی مردمانمان، تأکید می‌کنیم (بر مبنای (۱۹۹۴) *ICPD*، فصل ۲، اصول). هیچ موضوعی در دستور کار ۲۰۳۰ نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که حق جدیدی را ایجاد کند.
۲. **حق تحفظ پیشنهادی برای بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری:** هر اصطلاحی در ارتباط با بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که شامل حق سقط جنین گردد، یا به‌منظور دسترسی به یا تأمین مالی سقط جنین باری بر دوش دولت ما بگذارد، یا قوانین داخلی ما را در مورد سقط جنین تغییر دهد. هم‌چنین ارجاعات موجود به «اسناد نهایی به‌دست آمده از کنفرانس‌های بازنگری برگزار شده» در پکن و *ICPD*، پیرامون بهداشت باروری و جنسی و حقوق باروری، باید به‌گونه‌ای تفسیر شوند که فقط به اسناد نهایی مذاکره شده توسط کمیسیون‌های شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، یا مذاکرات همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد ارجاع داده شود و متعاقباً در مجمع عمومی سازمان ملل تصویب گردد. این اصطلاح نباید به‌گونه‌ای تفسیر گردد که به‌هیچ یک از اسناد بازبینی نهایی منطقه‌ای یا سایر اسناد نامشخص ارجاع داده شود.
۳. **حق تحفظ پیشنهادی برای «جنسیت»، «تساوی جنسیتی» و «یا سایر وضعیت‌ها»:** اصطلاح «جنسیت» در سرتاسر دستور کار ۲۰۳۰ به‌گونه‌ای تفسیر می‌شود که فقط به مرد و زن دلالت کند. اصطلاح «تساوی جنسیتی» دلالت به تساوی بین دو جنسیت دارد و نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که به هر جنسیتی غیر از مرد یا زن دلالت داشته باشد. هم‌چنین، اصطلاحات «یا سایر وضعیت‌ها»، «نابرابری»، «تبعیض»، «فراگیری»، «فراگیر»، یا آن دسته از اهداف فرعی که «تساوی جنسیتی» یا «حقوق بشر» را مورد توجه قرار می‌دهند نباید به‌گونه‌ای تفسیر شوند که شامل مفاهیم گرایش جنسی و هویت جنسیتی یا هر نوع حقوقی از این دست، باشند.
۴. **حق تحفظ پیشنهادی برای آموزش و صیانت از کودکان:** اشاره‌هایی مبنی بر نفی تبعیض بر اساس سن نباید به‌گونه‌ای تفسیر گردد که حقی برای کودکان ایجاد کند یا تعهدی را برای کشورهای عضو به بار بیاورد تا آن‌ها را در جهت تأمین دسترسی کودکان به اطلاع‌رسانی در حوزه مسائل جنسی، یا خدمات بهداشت باروری و جنسی، یا آموزش‌های مرتبط با این مسائل برای کودکان، به‌خصوص بدون هدایت والدین، مجبور سازد. اشاره‌های موجود در اهداف فرعی ۳ و ۴ در *SDG* که اطلاع‌رسانی و آموزش پیرامون تنظیم خانواده، خدمات بهداشتی درمانی باروری، حقوق بشر، تساوی جنسیتی یا تنوع فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهند، نباید به‌گونه‌ای تفسیر گردند که حقوقی برای کودکان قائل شوند تا در سایه آن به آموزش جامع جنسیتی یا سایر برنامه‌ها و اطلاعات این چنینی، دسترسی داشته باشند. هم‌چنین، هدف ۴-الف در *SDG* که ایجاد محیط‌های آموزشی «امن» و «متناسب با جنسیت» را مورد توجه قرار می‌دهد، نباید به‌گونه‌ای تفسیر گردد که در بر دارنده هر نوع برنامه یا محتوای آموزشی نظیر اقدامات ضد قلدری باشد، که منجر به ترویج پذیرش یا پیش‌برد حقوق مرتبط با گرایش‌های جنسی مختلف، هویت‌های جنسیتی یا سایر اقلیت‌های جنسی می‌شود. هر نوع آموزشی برای کودکان باید تحت هدایت والدین و در کمال آگاهی و رضایت آن‌ها صورت پذیرد.
۵. **حق تحفظ پیشنهاد برای شمول خانواده در دستور کار توسعه پسا-۲۰۱۵:** با عنایت به تعهدات کشورها تحت پنج معاهده الزام‌آور پیرامون احترام به نهاد خانواده به‌عنوان واحد ابتدایی جامعه، ما تأکید می‌کنیم که اجرای دستور کار ۲۰۳۰ در [نام کشور]، از جمله اجرای اهداف اصلی و فرعی *SDG*، باید به‌گونه‌ای صورت پذیرد که منجر به حمایت از خانواده‌هایی گردد

که حاصل ازدواج بین مرد و زن هستند. هم‌چنین خط‌مشی‌ها و برنامه‌هایی که به منظور اجرایی کردن دستور کار ۲۰۳۰ ایجاد می‌گردند باید ابتدا از منظر تأثیر روی نهاد خانواده مورد ارزیابی قرار گیرند، دوست‌دار خانواده باشند، و نباید منجر به فروپاشی خانواده گردند.

تحلیلی بر دستور کار ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار
تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان

سازمان بسیج حقوق‌دانان

نویسنده:	شارون اسلاتر
مترجم:	محمود دهقان سلماسی
همکار ترجمه:	یحیی اکبری
شماره مسلسل:	۹۶۰۳۰۰۱
تاریخ نشر:	۱۳۹۶/۳/۱۷